

**NEUES TESTAMENT**

**Die Gute Nachricht**

**NEW (3)  
NOUVEAU  
TESTAMENT  
IN**

**PERSIAN  
FARSI  
IRANIAN  
III**

**PERSAN**

**PERSISCHE**

کتاب

پیمان تازه

خداوند وراننده ما

عیسی مسیح

که از لسان اصلی یونانی

بنفارسی

ترجمه کرده

افضل الفضلا المسيحيه

هنری مارتین کشیس انگلیسی ایست

---

که در دار السلطنت لندن محروسه

باعانت مجمع مشهور به بیبل سوسیته

کرت ستیم بدار الطباعه بنده کمترین رچارد واطس

انگلیسی مطبوع کردید

۱۸۳۷

مسیحیه



THE  
**NEW TESTAMENT**

OF  
OUR LORD AND SAVIOUR

**JESUS CHRIST**

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK,  
INTO PERSIAN,

BY THE  
**REV. HENRY MARTYN, B.D.**

---

FOURTH EDITION.

---

**LONDON:**  
PRINTED BY RICHARD WATTS,  
**FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,**  
IN THE YEAR  
1837.

# فهرست این کتاب مقدس

رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان . . . 503	انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ . . . . . 1
رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . . 507	انجیل مرقس . . . . . 83
رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . . 516	انجیل لوقا . . . . . 135
رسالهٔ پولس بتیتوس . . . . . 522	انجیل یوحنا . . . . . 221
رسالهٔ پولس بغلیمون . . . . . 526	کتاب اعمال حواریان . . . . . 288
رسالهٔ پولس بعبریان . . . . . 528	رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . 371
رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . . . 552	رسالهٔ پولس حواری باهل قرنٹس . . 405
رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . 561	رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونٹس . . . . . 437
رسالهٔ عام دویم پطرس حواری . . . 570	رسالهٔ پولس حواری بکلنتیان . . . 459
رسالهٔ عام اول یوحناي حواری . . . 576	رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . 470
رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری . . . 585	رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . 481
رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری . . . 586	رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . . 489
رسالهٔ عام یهوداي حواری . . . . . 587	رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . 496
کتاب مکاشفات یوحناي الهی . . . . . 590	

باب اول

- ۱ از آنجا که جمعی شروع نموده که آن وقایعی را که در میان ما یقین
- ۲ پیوسته است تبیین نمایند \* به نحوی که آنان که ز آغاز بچشم خود
- ۳ میدیند وفاداران کلام بوده بما رسانیده اند \* من نیز مصلحت
- چنان دیدم که آن وقایع را تمام من البدایت کمال تبعیت نموده
- ۴ بر حسب اتصالشان تحریر نمایم برای تو ای ثیوفلس کرامی \* تا
- ۵ حقیقت سخنانی که تو آنها را تعلیم یافته در یابی \* در اوان
- هیروویس سلطان یهودیه ذکر یا نام کاهنی بود که از دسته ایبا بود
- وزنی داشت از دختران بیرون که او را نام ایصابات بود
- ۶ \* وایشان هر دو در نزد خدا ثواب کار می بودند و در تمامی فرایض
- ۷ و سنن خداوند بی وغرغ رفتار می نمودند \* وایشان از فرزندی
- نبود زیرا که ایصابات یائسه بود و هر دو بر عمر سبقت بسته بودند
- ۸ \* چنین بوقوع پیوست که در اوانی که نوبت دست خود در نزد
- ۹ خداوند کار باوای لوازم کهانت می پرداخت \* بر حسب آئین
- کهانت نوبت آن شد که در هیكل خداوند در آمده بخور نماید
- ۱۱ \* و تمامی خلق در هنگام سوزانیدن بخور بیرون نماز میکردند \* که
- یکی از فرشتگان خداوند کار بر او هویدا گشته چنانکه بر طرف راست
- ۱۲ مجسم ایستاده بود \* ذکر یا از ملاحظه او مضطرب گردیده خوف

۱۳ بروی استیلا یافت \* آن ملک ویرا گفت مترس ای زکریا  
 زیرا که دعای تو مستجاب شده زوجه ات ایصابت پسری برای  
 ۱۴ تو خواهد آورد و تو او را یحیی خواهی نامید \* و ترا خواهد بود  
 خوشوقتی و خرمی و از تولد آن بسیاری شادمان خواهد گردید  
 ۱۵ \* زیرا که او در نزد خداوند کار برترک میشود و شراب و خمر نخواهد  
 ۱۶ آشامید و هم از شکم مادر خود بروح القدس مملو خواهد گردید \* و او  
 بسیاری از بنی اسرائیل را بسوی خداوند خدای آنها بر خواهد  
 ۱۷ گردانید \* و او در پیش روی وی بروح و قوت الیاس خواهد  
 رفت تا که مایل گرداند قلوب پدران را بجانب فرزندان و تا  
 فرمانان را بفهم عاقلان تا که قومی کامل را برای خداوند مهیا نماید  
 ۱۸ \* زکریا ملک را گفت که چه سان من این را بدانم و حال آنکه  
 ۱۹ من پیر هشتم وزن من کهن سالست \* ملک ویرا جواب  
 داده گفت که منم جبرائیل که نزد خدا حاضر میباشم و برای همین  
 فرستاده شده ام که با تو سخن گفته این مژده را بتو سپارم  
 ۲۰ \* و اینکه تو خاموش خواهی بود بلکه یارای تکلم نخواهی داشت تا  
 روزی که اینها واقع شود زیرا که تو سخن نمی مرا باور نکردی  
 ۲۱ و حال آنکه آنها در وقت خود بوقوع خواهد پیوست \* و مردم  
 منتظر زکریا بودند و از بسیاری توقفش در هیكل متحیر میبودند  
 ۲۲ \* و او بیرون آمده یارای تکلم با آنها نداشت پس دریافتند که  
 در درون هیكل او امر غریبی را مشاهده نموده است که بآنها  
 ۲۳ اشارت میکند و کنک مانده است \* و چون ایام خدمتش  
 ۲۴ منقضی گشته بخانه خویش رفت \* و بعد از آن زوجه اش



الیصابات آبستن شده خود را پنجمه پنهان داشته و گفت  
 ۲۵ \* که در این اوان که خداوند کار خود منظور میداشت باین نهج  
 ۲۶ بامی نموده تا ننکی که مرا در میان انسان میباید بر دارد \* و در  
 ماه ششم فرشته جبرائیل از خدا بسوی شهری از جلیل که ناصره  
 ۲۷ نام داشت \* بتر و دختر دوشیزه مریم نام که منسوب بود بیوسف  
 ۲۸ نام مردی از دودمان داود فرستاده شد \* و ملک بنزد وی آمده  
 گفت که السلام ای شرف یافته خداوند با تو است و تو در  
 ۲۹ میان زنان مبارکی \* و او چون این را دید از سخن او مضطرب  
 ۳۰ شده و در شبهه افتاد که این چه نوع سلام است \* و ملک ویرا  
 گفت که مترس ای مریم زیرا که تو یافته نعمت خدا وادرا  
 ۳۱ \* واینک تو آبستن خواهی شد و خواهی زائید پسری و او را عیسی  
 ۳۲ خواهید نامید \* و او شخص هرکی خواهد بود و فرزند خدایتعالی  
 خوانده خواهد شد و خداوند خدا تحت پدرش داود را بوی خواهد  
 ۳۳ داد \* و بر دودمان یعقوبی تا ابد سلطنت رانده سلطنتش را  
 ۳۴ نهایت نخواهد بود \* مریم ملک را گفت که چگونه این تواند شد  
 ۳۵ و حال آنکه من مردی را نیافته ام \* و ملک ویرا جواب داده  
 گفت که روح القدس بر تو نزول خواهد نمود و قوت خدایتعالی  
 بر تو سایه افکند از آنجاست که آن مولود مقدس فرزند خدا  
 ۳۶ خوانده خواهد شد \* و اینست الیصابات خویش تو نیز در پسری  
 پسری بارور است و این ماه آنکس را که یائسه میدانند ماه شش  
 ۳۷ است \* زیرا که نزد خدا هیچ امری محال نیست \* مریم گفت  
 اینک کنیرک خداوند بشود بر من بر وفق کلام تو پس فرشته از

۳۹ نرووی جداگشت \* و مریم بر خاسته در آن اوان بسوی کوهستان  
 ۴۰ بجانب شهر یهووا شتافت \* و در خانه ذکر یاد آورده ایصابت را  
 ۴۱ سلام نمود \* و چون ایصابت سلام کردن مریم را استماع نموده  
 طفل در رحم او جسته و ایصابت بروح القدس مملو گشت  
 ۴۲ \* و باواز بلند تکلم نمود و گفت که در میان زنان مبارکی  
 ۴۳ و مبارکست ثمره رحم تو \* و کجا سزااست مرا که مادر خدا قدم  
 ۴۴ بنزد من آید \* اینک چون آواز سلام تو بکوشه هایم رسید طفل  
 ۴۵ در شکم من از خرمی بحرکت آمد \* و خوشا حال زنی که ایمان  
 آورده است زیرا سخنانی را که از جانب خداوندگار است بوی  
 ۴۶ کمالی میباشد \* و مریم گفت که جان من خداوندگار را ثنا میگوید  
 ۴۷ \* و خوشنود میشود روح من بسبب خدا نجات دهنده من \* زیرا که  
 نظر مرحمت بر حقارت کنیزک خود انداخته و اینست ازین  
 ۴۸ وقت تمامی طبقات انام مرا مبارک خواهد دانست \* زیرا  
 که نموده است آن قادر کارهای بزرگ برای من پس منزله باد  
 ۴۹ اسم او \* و رحمت او بر کسانیکه از او می ترسند پشت در  
 ۵۰ پشت \* و بیازوی خود قوت را پدیدار نموده آنانی را که بخیالات  
 ۵۱ خود برتری داشتند پریشان نمود \* و تیر آورو مقتدرانرا از تختها  
 ۵۲ و خاک نشینانرا بر داشت نمود \* و سیر کردانید کرسنگانرا از  
 ۵۳ خوبها و روانه نمود متمولین را تهی دست \* و بنده خود اسرا تیل را  
 ۵۴ مساعدت نموده تا رحمت خود را یار آورد \* که بر ابراهیم و ذریه اش  
 ۵۵ تا باید خواهد بود چنانچه به پدران ما فرموده است \* و مریم  
 ۵۶ قریب بسه ماه بوی بوده پس برگشت بخانه خود \* و ایصابت را

- ۵۸ وقت وضع حمل رسیده پس زائید پسری را \* و شنیدند  
همسایگان و خویشان که خداوند بر وی بسیار رحمت نموده پس  
۵۹ ایشان نیز با وی خرمی نمودند \* و در روز هشتم بجهت ختنه طفل  
۶۰ آمده اورا با اسم پدرش زکریا میخواندند \* مادرش جواب داده  
۶۱ گفت نه بلکه خوانده شود یحیی \* ویرا گفتند که نیست از  
۶۲ خویشان تو شخصی که خوانده شود باین اسم \* پس پدرش را  
۶۳ اشارت نمودند که به چیست خوهشت که نامیده شود \* و او  
تخته را خواسته بر آن نوشته گفت که اسم اوست یحیی و همگی  
۶۴ متحیر گردیدند \* و در همان لحظه ذهن و زبان وی باز شده بحمد  
۶۵ خدا تکلم فرمود \* و بر همگی آنان که بر اطراف وی ساکن می  
بودند خوف عارض گشت و در همه کوهستان یهودیه از این  
۶۶ وقایع گفت گو میرفت \* و آنان که شنیدند همگی متفکر بوده  
میکفتند که آخر این طفل چه خواهد بود و با وی بود دست خداوند  
۶۸ \* و پدرش زکریا بروح القدس ممتلی گشته بالهام گفت \* خداوند  
خدای اسرائیل مبارکباد زیرا که نظر مرحمت انداخته برای قوم  
۶۹ خود فدیہ مقرر فرمود \* و در خانه بنده خود داود شاخ نجاتی برای  
۷۰ ما بر پا داشت \* چنانچه بر زبان انبیای مقدس خود از اوان  
۷۱ سلف فرموده است \* یعنی نجات از دشمنان ما و از دست  
۷۲ همه آنانی که کینه میورزند با ما \* تا آنکه بجای آرد رحمت خود را بر  
۷۳ پدران ما و تا آنکه یاد آرد عهد مقدس خود را \* یعنی سوگندی که  
ابراہیم پدر ما خورده است که با این بخشش را خواهد فرمود  
۷۴ \* تا آنکه ما از چنگ دشمنان خود مستخلص شده بیک خوف اورا

۷۵ بنده کسی نمائیم \* و تا همه زنده گانی خود را بپاکیزگی و صواب کاری  
 ۷۶ در نزد او باشیم \* و تو ای کودک رسول خداوند تعالی خوانده  
 خواهی شد زیرا که تو پیش روی خداوند خواهی رفت تا آنکه  
 ۷۷ راهی او را آماده نمائی \* و تا آنکه عطا شود بقوم او شناسائی راه  
 ۷۸ نجات که با آمرزش کنان است \* از غایت ترحم خدای ما که  
 ۷۹ بجهت آن روشنی صبح از عالم علو بر ما هویدا گشت \* تا آنانی را  
 که در تاریکی و سایهٔ مرگ نشسته بودند روشن گرداند و قدمهای  
 ۸۰ ما را براه آرام راهنمائی نماید \* و هر که میشد آن طفل و در روح  
 قوت می یافت و تا اوانی که بر بنی اسرائیل ظهور نمود در  
 اطراف بیابانها میزیست

### باب دوم

۱ و در آن اوان چنین اتفاق افتاد که از جانب قیصر او کو صطس  
 ۲ حکم شد که در همهٔ ولایات اسم نویسی نمایند \* و این نخستین  
 اسم نویسی بود که در اوانیکه کرینیوس حاکم شام بود واقع شد  
 ۳ \* بجهت آنکه اسمی نوشته شود هر کسی بشهر خود رفتندی  
 ۴ \* و یوسف نیز از جلیل از شهر ناصره بیهودییه بشهر داود که به  
 بیت لحم مسمی است رفت زانرو که او از دو دمان و قبیلۀ داود  
 ۵ میبود \* تا نوشته شود اسمش با زن منسوب بخور مریم که  
 ۶ آبتن بود \* و در آن اوان که ایشان در انجا بودند ایام وضع  
 ۷ حملش رسید \* پس زائید نخستین پسر خود را و او را در قنذاق  
 پیچیده در آخر خوابانید زیرا که نبود در اندرون کاروانسرا مکانی  
 ۸ برای آنها \* و در آنزمین شبانان میبوند که کلهٔ خود را جراست



- ۹ نموده در شب بنوشت کشیک می کشیدند \* ناگاه فرشته  
خداوند بر آنها نازل نموده نور خداوند باطراف آنها درخشید و آنها  
۱۰ بغایت مخوف گردیدند \* آن ملک ایشانرا گفت مترسید که  
اینک مژده سروری بیغایت که خواهد بود برای تمامی فبایل  
۱۱ بشما آورده ام \* زیرا که نجات دهنده از برای شما که او مسیح  
۱۲ خداوند است امروز در شهر داود متولد شد \* و اینست برای  
شما نشانی که یابید طفلی را که بقنداقه پیچیده در آخر گذاشته  
۱۳ شده است \* ناگاه فوجی از لشکر آسمانی با آن ملک خدا را  
۱۴ ستایش کنان نمودار شده \* میگفتند که خدا راست در عالم بالا  
۱۵ جلال و بر زمین آرام و در میان انسان رضامندی \* و چون  
آن فرشتگان از نزد آنها بسوی آسمان رفتند شبانان گفتند با  
یکدیگر که تا به بیت لحم رفته این واقع را که خداوند بنا نمودار  
۱۶ گردانیده است ملاحظه نمائیم \* پس هرودی روان شده یافتند  
مریم و یوسف را و آن طفل را در حالتی که در آخر خوابیده بود  
۱۷ \* پس ایشان ملاحظه نموده سخنی را که در باره آن طفل  
۱۸ بآنها گفته شده بود بدرستی دریافتند \* و هر آنکس که آن سخنانرا  
۱۹ از شبانان شنیده متعجب میشد \* و مریم تمامی این سخنانرا در  
۲۰ دل جای میداد و نگاه میداشت \* و شبانان خدا را حمد و ثنا  
گویان برگشتند زیرا که مطابق همه آنچه بآنها گفته شده بود دیدند  
۲۱ و شنیدند \* و چون هشت روز ایام ختنه طفل باتمام رسید اورا  
عیسی نامیدند و همان نامست که قبل از تفرش در رحم ملک  
۲۲ بان نامش خواند \* و چون ایام تطهرش رسید بر حسب آئین

۲۳ موسی اورا باور شلیم آوردند تا نزد خداوندش بر پا دارند \* چنانچه  
 نوشته شده است در آئین خداوند که هر آن ذکوری که نخست  
 ۲۴ بار کند رحم را برای خداوند منزه خوانده شود \* و تا قربانی گذرانند  
 چنانچه در آئین خداوند مقرر است یا جفت حمام یا دو جوجه  
 ۲۵ کبوتر \* و اینک کسی بود در اورشلیم مستمی بشمعون که مرد  
 عادل و متقی بود و منتظر تسلی اسرائیل میبود و روح القدس بر  
 ۲۶ او بود \* از روح القدس الهام یافته که پیش از آنکه مسیح کرده  
 ۲۷ خداوند را نه بیند مرک را نخواهد دید \* پس براه نمائی روح در  
 هیكل درآمده در هنگامی که والدین عیسی طفل را باندرون  
 ۲۸ می آوردند تا کرده شود اورا آنچه موافق رسم آئین است \* او  
 ۲۹ بر وی دست خود گذاشت و خدا را حمد گفت \* که خداوند حالا  
 ۳۰ تو بنده خود را بروفق سخن خود بسلامت رخصت میدهی \* زیرا  
 ۳۱ که دیده است چشمان من نجات تورا \* که در پیش رومی همگی  
 ۳۲ قبایل مهیا کرده \* نوری برای روشنی قبایل و جلال قوم خود  
 ۳۳ اسرائیل \* و یوسف و مادرش از سخنانی که در باره او گفته  
 ۳۴ میشد متحیر میبودند \* و شمعون ایشانرا دعای خیر کرده بمادرش  
 مریم گفت که این کسی است که برای افتادن و برخاستن  
 بسیاری در اسرائیل و برای هدف مخالفان شدن گذاشته  
 ۳۵ میشود \* و در دل تو نیز نیزه فرو خواهد رفت تا تصورات  
 ۳۶ دلهای بسیاری آشکارا شود \* و یوزبی نبیه حنا نام دختر فانیل  
 از طایفه عشیر بسیار کهن سال و هفت سال از اول بکریت  
 ۳۷ خود با شوهر بسر برده \* و قریب بهشتاد و چهار سال بود که او بیوه

بود و از هیكل جدا نشده با روزه و دعا روز و شب عبادت میکرد  
 ۳۸ \* آنزن در آن ساعت حاضر شده خداوند را شکر مینمود و در باره او  
 ۳۹ با همگی منتظران نجات در اورشلیم تکلم مینمود \* چون جمیع  
 رسوم را بحسب آئین خداوند بجا آورند بجانب جلیل و شهر  
 ۴۰ خود ناصره برگشتند \* و آن طفل ترک شده در روح قوت  
 ۴۱ پیدا کرده بعقل مملو میشد و با وی بود توفیق خدا \* و والدین  
 ۴۲ او هر ساله در عید فصح با اورشلیم میرفتند \* و چون دوازده ساله  
 ۴۳ شد ایشان موافق رسم عید با اورشلیم رفتند \* و چون ایام  
 عید را تمام کرده در اوانیکه مراجعت مینمودند آن طفل عیسی در  
 ۴۴ اورشلیم توقف نمود و یوسف و مادرش نمی دانستند \* بلکه زانجائی  
 که گمان میداشتند که او در کاروانست یک منزل آمده در میان  
 ۴۵ خویشان و آشنایانش جستجو مینمودند \* و او را نیافته در تفحص  
 ۴۶ او با اورشلیم برگشتند \* و بعد از سه روز او را یافتند که در وسط  
 معلمان در هیكل نشسته است و از آنها می شنود و پرسش مینماید  
 ۴۷ \* و همگی انانی که از وی شنیدند از ذهن و جوابهایش متحیر مینمودند  
 ۴۸ \* او را دیده تعجب نمودند مادرش ویرا گفت کودک چرا چنین  
 بما نمودی اینست پدر تو و من اندوه ناک گشته در جستجوی تو  
 ۴۹ مینمودیم \* ایشانرا گفت که چرا مرا می جستید آیا ندانسته بودید که  
 ۵۰ مرا میبایست در خانه پدر خود باشم \* و ایشان این سخن را که  
 ۵۱ بایشان گفت نیافتند \* و با آنها روان شده بناصره آمد و مطیع  
 آنها بوده مادرش تمامی این واقعات را در دل نگاه میداشت  
 ۵۲ \* و عیسی در عقل و قامت و مهربانی نزد خدا و خلق ترقی میکرد

باب ستم

- ۱ در سال پانزدهم از سلطنت تیریوس قیصر که پنتیوس  
پیلطس حاکم یهودیه و هیرویس رئیس ربع جلیل و فیلپوس  
برادرش رئیس اتوریه و مرزوبوم تراخونی و لیسنیاس رئیس
- ۲ ربع آیلینی \* و حنا و قیافا کاهنان بزرگ می بودند کلام خدا
- ۳ نازل شد بیحیی ابن زکریا در بیابان \* و آمده همی مرز و بوم  
اطراف رود اردن را برای آمرزش گناهان بغسل توبه ندا میکرد
- ۴ \* چنانچه در صحیفه اخبار اشعیه پیغمبر نگارش یافته است که  
می گفت در بیابان آواز فریاد کننده ایست که راه خداوند را
- ۵ مستعد کنید و طریق او را مستقیم سازید \* هر کوهی انباشته و هر  
کوه و تلی پست خواهد گردید و کجیها راست و راستی درشت
- ۶ هموار خواهد شد \* و خواهد دید مجموع بشر نجات خدا را \* و طوایفی را  
که برای غسل تعمیدش بیرون رفتندی میگفت ای افعی
- ۸ زاده گان که شما را راه نمود که بگریید از غضب آینده \* پس بیارید  
ثمراتی که شایسته توبه باشد و در دل خود شروع بگفتن ننمائید که
- ما را پدر ابراهیم است زیرا که بشما میگویم که خدا قادر است بر
- ۹ آنکه برخیزاند ازین سنگها فرزندان از برای ابراهیم \* و الحال  
تبر بر بیخ درختان گذاشته شده است و هر درختی که ثمر نیکو نیارد
- ۱۰ بریده و آتش افکنده خواهد شد \* و طوایف پرسیندش و گفتند
- ۱۱ که پس ما را چه باید کرد \* آنها را جواب داده گفت کسی که دو جامه  
دارد آنکس را که ندارد شریک سازد و آنکس که نان دارد هم
- ۱۲ چنین بایدش کردن \* و باج خوانان نیز بجهت غسل تعمید



- ۱۳ آمده گفتندش که ای استاد ما را چه بایست کردن \* آنها را  
 ۱۴ فرمود که شما بیش از آنچه بر شما مقرر است نکنید \* سپاهیان  
 نیز پرسیدند که ما را چه باید کرد آنها را فرمود که هیچ کس را جبر  
 ۱۵ نمائید و هر کسی افترا نهموده و بموجب خود اکتفا نمائید \* و در انوائی  
 که مردم در انتظار میبودند و هر یک در دلهای خود تصور می نمودند  
 ۱۶ در باره یحیی که آیا این مسیح باشد \* یحیی همگی را باین  
 خطاب مخاطب نموده که من شما را فصل باب میدهم اما آید  
 کسی که قوی تر است از من و من نیستم قابل آنکه بند  
 نعلینش را کشایم آنست که شما را بروح القدس و آتش فصل  
 ۱۷ خواهد داد \* که طبقتش در دست اوست و خرمن خور را خوب  
 پاک نموده کندم را در انبار خود جمع خواهد نمود و گاه را در آتشی  
 ۱۸ که افسرده کسی ننیزد خواهد سوزانید \* و باند زبانی بسیار و بیکر آن  
 ۱۹ گروه را نصیحت فرمود \* و رئیس ربع هیرودیس که بسبب  
 هیرودیا زن برادر فیلیپوس و بسبب قبایح و بیکر که متوجه میبود  
 ۲۰ از او ملامت یافته بود \* این را نیز بر آنها مزید کرد که یحیی را در  
 ۲۱ زندان محبوس گردانید \* و چونکه تمامی مردم عسل یافتند  
 و عیسی نیز فصل یافته دعا می نمود چنین بوقوع پیوست که آسمان  
 ۲۲ باز شده \* و بصورت جسمانی روح القدس چون کبوتری بر او  
 نازل شده و آوازی از آسمان بر آمد که گفت توئی پسر محبوب  
 ۲۳ من و بتو رضامند میباشم \* و عمر عیسی تخمیناً آغاز بیسی سال  
 ۲۴ بود و چنانچه گمان میداشتند بود پسر یوسف پسر مالی \* پسر  
 ۲۵ متثات پسر لاوی پسر ملخی پسر یانا پسر یوسف \* پسر مطاشیا

۲۶ پسر عاموس پسر ناخوم پسر اسلی پسر نجی \* پسر ماث پسر مطاشیا  
 ۲۷ پسر شمعی پسر یوسف پسر بهووا \* پسر یوحنا پسر ریضا پسر  
 ۲۸ زور بابل پسر سالائیل پسر نیری \* پسر ملخی پسر اوی پسر قوصام  
 ۲۹ پسر سمووام پسر آئیر \* پسر یوسی پسر ایلعازر پسر یوریم پسر  
 ۳۰ متثات پسر لاوی \* پسر شمعون پسر بهووا پسر یوسف پسر  
 ۳۱ یونان پسر ایلیاقیم \* پسر میلیا پسر مانیان پسر مطاشیا پسر  
 ۳۲ ناثان پسر داود \* پسر یسی پسر عوبید پسر باعاز پسر سلمون  
 ۳۳ پسر نخشون \* پسر عمنداب پسر ارام پسر حصرون پسر فارض  
 ۳۴ پسر بهووا \* پسر یعقوب پسر اسحاق پسر ابراهیم پسر تارخ پسر  
 ۳۵ ناخور \* پسر ساروغ پسر زاغا پسر فالخ پسر عابر پسر صالا \* پسر  
 ۳۶ قنیاں پسر ارفخشذ پسر سام پسر نوح پسر لامح \* پسر ماتوشلح پسر  
 ۳۷ اخنوخ پسر یارو پسر مهلائیل پسر قینان پسر انوش پسر شیت  
 پسر آدم پسر الله

### باب چهارم

۱ وعیسی از روح القدس مملو بوده از رو اردن مراجعت فرموده  
 ۲ بقوت روح در بیابان روان گشت \* مدت چهل روز ابلیس  
 او را ممتحن میساخت و در آن اوان مطلقاً نمی خورد و چون  
 ۳ آن ایام با تمام رسید در آخر کرسنه گشت \* ابلیس او را گفت  
 ۴ چنانچه تو پسر خدا هستی بفرما این سنگ را تانان شود \* وعیسی  
 در جواب با وی گفت که نوشته شده است که انسان نه همین  
 ۵ بمجرب و نان خواهد زیست بلکه بهر نوع فرموده خدا \* ابلیس او را  
 بر کوه بلندی آورده تمامی ممالک ربع مسکون را در آنی وی

- ۶ نمودار کرد \* گفت ویرا ابلیس که من جمیع این قدرت و شان را  
بتو خواهم داد زیرا که وا گذاشته شده است بمن و هر آنکس را
- ۷ که خواهم و هم \* و چنانچه در پیش من سجده نمائی اینهمه تو را  
۸ خواهد بود \* عیسی در جواب باو فرمود که بعقت بروای شیطان  
زیرا که نوشته شده است که تو خدای خود خداوند را ستایش کن  
۹ و او را بتنهائی بنده کی نما \* پس او را باور شلیم آورده بر کنکره  
هیكلش ایستاده نمود و گفتش چنانچه تو پسر خدا هستی خود را از  
۱۰ اینجا بیائین انداز \* زانرو که نوشته شده است که او بفرشتگان  
۱۱ خود در باره تو حکم خواهد فرمود که تو را حراست نمایند \* و اینکه  
تو را بپرستها خواهند برداشت که مبادا پای تو از سنگ کوفت  
۱۲ یابد \* عیسی در جواب با وی گفت که گفته شده است که تو  
۱۳ امتحان تمامی خداوند خدای خود را \* و ابلیس تمامی امتحانات را  
۱۴ تمام نموده مدتی از وی جدا گشت \* و عیسی بقوت روح بسوی  
۱۵ جلیل برگشت و آوازه او بتمامی مرز و بوم اطراف پیچید \* و او  
۱۶ در مجامع آنها را تعلیم میداد و همگی او را تحسین می نمودند \* و او تا  
ناصره محلی که تربیت یافته بود آمده و در روز سبت بر حسب  
۱۷ رسم خود در مجمع در آمده برای تلاوت برخاست \* و کتاب  
اشعیه پیغمبر باو داده شد و او باز نموده مقامی را یافت که در آنجا  
۱۸ مرقوم است \* که بر منست روح خداوند برای کاری که مرا برای  
آن مسح فرموده و فرستاد مرا که بفقیران مژده آرم و دل شکستگان را  
۱۹ شفا بخشم \* و و هم خبر رستگاری با سیران و بینائی بکوران و آزاد  
۲۰ سازم جرات دیده کانرا و ندا کنم بسال مقبول خداوند \* پس

کتاب را بسطه پسر هنک داده بنشست و همگی مجمع چشمهای  
 ۲۱ خورا براو دوختند \* و بآنها آغاز تکلم فرموده که امروز این کتاب  
 ۲۲ تکمیل یافته است در کوشهای شما \* و همه برای وی شهادت  
 داده و از سخنان مهر آمیزی که از دهانش بیرون می آمد تعجب  
 ۲۳ کرده میگفتند که آیا نیست این پسر یوسف \* و بآنها گفت که  
 بی شبهه این مثل را بمن خواهید آورد که طیب خورا شفا  
 بخش و آنچه را که در کفر ناحوم شنیدیم که واقع شده است در  
 ۲۴ اینجا نیز که وطن تست کرده باش \* و باز گفت که من بدرستی  
 کویم شمارا که هیچ پیغمبری در وطن خود قبول کرده نمی شود  
 ۲۵ \* و من به تحقیق شمارا کویم که در ایام الیاس در اوانی که از  
 آسمان مدت سه سال و شش ماه باران منقطع گردید بنوعی که  
 کرانی عظیمی در تمامی زمین هویدا کشت بودند بیوه های بسیار  
 ۲۶ در اسرائیل \* لیکن الیاس فرستاده نشد بشود هیچ یک از آنها  
 ۲۷ مگر بصارقیه صیدا بنروزن بیوه \* و در زمان الیشع پیغمبر بودند  
 مبروص بسیاری در اسرائیل و نشد هیچ کس از آنها مضافی  
 ۲۸ مگر نعمان سیری \* و چون شنیدند این سخنان را تمامی اهل  
 ۲۹ مجمع غضبناک گشته \* برخاسته از شهرش بیرون نموده بدامن  
 کوهی که شهر ایشان بر آن بنا شده بود آورده که از کوه سر  
 ۳۰ ازیرش نمایند \* لیکن اواز میان آنها گذشته روان گردید \* و بکفر ناحوم  
 که شهر است از شهرهای جلیل آمده در روز سبت ایشانرا  
 ۳۱ تعلیم مینمود \* و از تعلیم کردنش متحیر میبودند زیرا که کلامش با  
 ۳۲ قوت میبود \* و در آن مجمع بود کسی که در آن بود روح دیو



۳۷ پلید باو از بلند فریاد کرد \* که واکذار مارا چه کار است تو را ای  
عیسای ناصری کویا که آمده که مارا هلاک کردانی می شناسم که  
۳۵ کیستی تو ای مقدس الله \* عیسی اورا نهیب کرده گفت که  
خاموش باش و بیرون آ می ازو پس آن دیو اورا در میان  
۳۶ انداخته ازو بیرون شد و اورا مطلقاً ضرری نه رسانید \* و همگی از  
آن بشکفت آمده با یکدیگر میگفتند که این چه نوع کلامیست که  
بقدرت و توانائی با روح پلیده فرمان داده بیرون می آیند  
۳۸ \* وصیت او باطراف همه مرز و بوم پیچید \* و او از مجمع برخاسته  
بخانه شمعون در آمد و مادر زن شمعون بتب شدیدی مبتلا بوده  
۳۹ اورا در باره او التماس نمودند \* و بنزد وی ایستاده تب را نهیب  
نمود که ازو زایل شده او فی الفور برخاسته ایشانرا خدمت کردن  
۴۰ گرفت \* و در غروب آفتاب همه آنانی که کسان ایشان  
کرفتار بودند بناخوشیهایی کوناگون ایشانرا بنزدش آوردند و او  
و ستهای خویش بر هر یک از آنها نهاده ایشانرا شفا می بخشید  
۴۱ \* و از داخل اکثری مردم دیوان بیرون رفته فریاد مینمودند که تویی  
مسیح پسر خدا و او ایشانرا نهیب کرده اجازت بگفتن اینکه دانسته  
۴۲ بودند که او مسیح است نفرموو \* چونکه هنگام روز آمد بیرون رفته  
بویرانه رسید و طوایف جستجویش نموده باو رسیده چنک در وی  
۴۳ زدند که مبارک از میان ایشان بدر رود \* ایشانرا گفت که  
بایست مرا که مژده ملکوت خدا را بشهرهای دیگر برسانم زیرا که  
۴۴ فرستاده شده ام برای همین کار \* پس در مجامع جلیل پیوسته  
وعظ مینمود

باب پنجم

- ۱ و چون بر کناره دریاچه کنیسترت ایستاده بود و گروهی بر وی
- ۲ هجوم نمودند که کلام خدا را بشنوند \* دید دو کشتی را که بکناره دریاچه
- ۳ ایستاده بود و ماهی گیران از آنها برآمده و امهارامی شستند \* بر
- یکی زان کشتیان که زان شمعون بود سوار شده از در خواست
- نمود که کشتی را از کناره اندکی دور نماید پس در آن نشسته مردم را
- ۴ تعلیم میفرمود \* و چون تکلم باتمام رسید شمعون را فرمود که
- ۵ برانید بعمق بحرویندازید و امهای خود را برای شکار \* شمعون
- ویرا جواب داده گفت ای مولا باتمام شب زحمت کشیده هیچ
- ۶ صید نموده ایم لیکن بفرموده تو دام را خواهم انداخت \* چون
- چنین کردند بقدر انبوهی از ماهیان احاطه نموده که دام ایشان
- ۷ می کسخت \* زرقائی که در کشتی دیگر بودند اشاره کردند که
- آنها آمده کومک نمایند پس ایشان آمده هر دو کشتی را بنهجی
- ۸ انباشتند که مشرف بغرق میبوزند \* چون شمعون بطرس
- این را دیده بر زانوهای عیسی افتاده عرض کرد که ای مولا از
- ۹ من جدا شو زیرا که من مردی هستم کناه کار \* زیرا که بسبب
- شکار ماهیانی که بچنگ آورده بودند حیرت او وهمه رفیقانش را
- ۱۰ فرو گرفته بود \* و همان قسم پسران زبدیرا یوحنا و یعقوب که
- شمعون را شریک میبوزند و عیسی شمعون را فرمود که مترس که
- ۱۱ ازین هنگام تو مردم شکار خواهی بود \* آنگاه کشتیانرا بساحل
- ۱۲ کشیده همگی چیزها را و گذاشته از عقبش روان شدند \* و در
- هنگامی که در یکی از شهرها بود ناگاه مردی که پر بود از برص

عیسی را دیده و بر رو افتاده است دعا نموده گفت مولانا اگر خواهی  
 ۱۳ توانی که پاک نمائی مرا \* پس دست را دراز نموده و او را لمس  
 ۱۴ نموده فرمود که خواهم مصفی شو \* و در زمان برص او رقع  
 شده او را فرمود که به چیکس مگو بلکه از آنجا رفته خود را بکاهن  
 تما و چنانچه موسی حکم نموده است هدیه برای طهارت خود  
 ۱۵ بکنان تا برای آنها شهادتی باشد \* لیک آوازۀ او بیشتر از  
 بیشتر روان شده گروهی انبوه باتفاق آمده تا که کلامش را  
 ۱۶ شنیده و شفای بیماران خود را از دریابند \* و لیک او در صحاری  
 ۱۷ متواری بوده بدعا اشتغال مینمود \* و یکروز چنین وقوع یافت  
 که او تعلیم میداد و بعضی از فریسیان و فقها که از تمامی قراء  
 جلیل و یهودیه و اورشلیم آمده بودند نشسته و حاضر بود قوت شفا  
 ۱۸ بخش خداوند \* و ناگاه کسانی چند شخصی را که فالج بود بر تختی  
 ۱۹ آورده خواستند که او را باندرون آورده بتروش گذارند \* چون  
 بسبب از دام خلق راه نیافتند که او را باندرون داخل نمایند  
 بر بام رفته او را از میان سفال با تخت در پیش روی عیسی  
 ۲۰ در وسط نهادند \* چون او ایان آنها را ملاحظه نمود ویرا گفت که  
 ۲۱ ای شخص کنان تو آمرزیده شده است و نویسنده کان و  
 فریسیان در فکر افتاده گفتند که این کیست که کفر میگوید  
 ۲۲ کیست که تواند کنانرا آمرزید خبر خدا و بس \* و عیسی تصورات  
 آنها را دریافت نموده ایشانرا جواب داده فرمود که در دلهای  
 ۲۳ خود چه تصور میکنید \* کدامست اسهل گفتن که کنان است  
 ۲۴ آمرزیده شد یا گفتن که هر خیز و بخرام \* ولیکن تابدانید که فرزند

انسان بر زمین اختیار دارد که پیامرزدکنان را مفلوج گفت که تورا  
 ۱۵ گویم که بر خاسته و تخت خود را برداشته بخانه خود روان شو \* و او فی  
 الفور در نزد ایشان تختی را که بر آن خوابیده بود برداشته و خدا را  
 ۲۶ حمد گوید. بخانه خویش روان شد \* و تحیر همگی را فرو گرفته و خدا را  
 سپاس نمودند و ترسناک گشته میبفتند که ما امروز امور غریبه  
 ۲۷ مشاهده نموده ایم \* و بعد از آن بیرون رفت و باج خواهی را که  
 لوئی نام داشت دید که بر بایگاه نشسته است ویرا فرمود که از  
 ۲۸ عقب من آی \* و او همه چیز را ترک نموده برخاسته از عقب او  
 ۲۹ روان شد \* و لوئی ضیافت عظیمی برای او در خانه خود مهیا  
 نموده و در آنجا گروهی بسیار بودند از باج خوانان و دیگران که از  
 ۳۰ هم نشینان بودند \* و نویسنده کان ایشان و فریسیان غوغا نموده  
 بشاکردان او گفتند که چرا میخورید و می نوشید شما با باج خوانان  
 ۳۱ و کناه کاران \* عیسی ایشانرا جواب داده فرمود که تن درستان را  
 ۳۲ احتیاجی بطیب نیست بلکه بیماران را ست \* و نیامده ام  
 ۳۳ من که نیکانرا بتوبه صلاوهم بلکه کناه کارانرا \* آنها گفتندش که  
 چو نیست تلامیند یحیی و ایم روزه دارند و دعا نمایند و همان دستور  
 تلامیند فریسیان نیز اما شاکردان تو و ایم میخورند و می آشامند  
 ۳۴ \* ایشانرا فرمود آیا شما سوریانرا ملامی که داماد با ایشانست  
 ۳۵ توانید روزه دار نمود \* ولیک آید آیامی که داماد از پیش آنها  
 ۳۶ برداشته خواهد شد و در آن ایام روزه خواهد داشت \* و او مثلی  
 برای آنها آورد که نمیدوزد هیچ کس برخت کهنه پارچه رخت  
 نورا و الا رخت نو نیز از آن شکافد و پارچه نو با کهن موافقت



۳۷ نماید \* و هیچ کس شراب نورا در مشکهای کهنه نماند و الا شراب نو مشکها را پاره نموده و خور ریخته میشود و مشکها تباه خواهد گشت \* ۳۸ ولیکن شراب نورا در مشکهای نو باید گذاشت تا ۳۹ هر دو باقی ماند \* و هیچ کس نیست که شراب کهنه را آشامیده نورافنی الفور خواهش نماید زیرا که کوید کهنه نیکوتر است

### باب ششم

- ۱ دور آنروز شنبه که بعد از شنبه بزرگست چنین اتفاق افتاد که چون از میان زراعتها عبور می نمود شاکروانش خوشهها را چیده
- ۲ بدستها مالیده میخوردند \* و بعضی از فریسیان بایشان گفتند که چرا میکنید چنین کاری را که در سبت کردن آن جایز نیست
- ۳ \* عیسی ایشانرا جواب فرمود که آیا نخوانده اید آنچه را کرد داود و رفقای او در وقتی که گرسنه بود \* که چه سان او در خانه خدا در آمده نانهای تقدیم را که خوردن آنها جایز نیست هیچ کس را جز کاهنان و بس برداشت و خور تناول نمود و رفقای خویش را
- ۵ نیز داد \* و نیز آنها را فرمود که فرزند انسان خداوند سبت نیز میباشد \* و در سبت دیگر اتفاق افتاد که او در مجمع در آمده تعلیم
- ۶ می نمود و شخصی در آنجا حاضر بود که دست راستش خشک میبود
- ۷ \* و نویسنده کان و فریسیان او را مترصد میبودند که شاید او را در سبت شفا دهد تا جای شکایت بر او یابند \* و خور تصورات
- ۸ آنها را دریافته بان شل فرمود که بر خیز و در میانه بایست پس
- ۹ او برخاسته و ایستاد \* ایشانرا گفت که چیزی شمارا بهرسم آیا نیکویی نمودن در روز سبت جایز است یا بدی نمودن را نهیدن

- ۱۰ نفسی را یا هلاک نمودن \* پس باطراف بهمگی آنها نگاه نموده
- آن شخص را فرمود که دراز کن دست خود را و او چنان نموده
- ۱۱ آن دست چون دیگر دستش درست کردید \* و آنها چون
- ۱۲ دیوانگان شده باهم میگفتند چه کنیم عیسی را \* و در آن ایام
- چنین اتفاق افتاد که بسوی کوه بقصد نماز بیرون رفت و در
- ۱۳ دعای خدا شب را بسر برده \* چون روز برآمد شاگردان خویش را
- پیش خوانده و دوازده نفر را از آنها اختیار فرموده بخواری مسمی
- ۱۴ نمود \* یعنی شمعون را که بطرس ملقب فرمود و برادرش
- ۱۵ اندریاس و یعقوب و یوحنا و فیلیپوس \* و بر تلما و متی و ثوما و یعقوب
- ۱۶ پسر حلفی و شمعون که بغیور ملقب است \* و یهوای برادر
- ۱۷ یعقوب و یهوای اسخر یوطی که خاین کردید \* و آنها پائین
- آمده بر میدان ایستاد و جماعت شاگردانش و گروهی وافر از تمامی
- یهودیه و اورشلیم و اطراف دریائی صور و صیدا که از برای استماع
- ۱۸ کلامش و شفا یافتن از امراض آمده بودند \* و اشخاصی که از
- ۱۹ ارواح پلیده صدمه می یافتند نیز شفای یافتند \* و تمامی آن گروه
- میخواستند که او را مس نمایند از آنجا که قوت ازو نشر می نمود
- ۲۰ و همه را تندرست می نمود \* و چشمان خویش را بشاگردان انداخته
- فرمود خوشحال شما ای مسکینان زیرا که ملکوت خدا زان
- ۲۱ شماست \* و خوشحال کسانی که الحال کرسنه میباشید زیرا
- که سیر خواهید کردید و خوشحال شما که الحال گریانید زیرا
- ۲۲ که خواهید خندید \* و خوشحال شما که مروم برای فرزند انسان
- شمار دشمن دارند و جدا سازند و رسوا کنند و بیرون نمایند نام

- ۲۳ شمارا چون نام بد \* دور آنوقت خوشوقت باشید وفرح نمائید زیرا که بسیار است در آسمان مزد شما که کردند پدران آنها به
- ۲۴ پیغمبران مثل اینهارا \* لیکن وای بر شما ای کسانی که صاحب دولت میباشد زیرا که شما تسلی خود را تمام یافته اید
- ۲۵ \* وای بر شما ای سیر شده گان زیرا که گرسنه خواهید گشت وای بر شما که الحال میخندید زیرا که خواهید نمود گریه و زاری
- ۲۶ \* وای بر شما وقتی که تمامی خلق شمارا تحسین نمایند زیرا که اجداد ایشان چنین کردند مر پیغمبران کاذب را \* و شما که می شنوید میگویم که دشمنان خود را دوست دارید و نیکی کنید کسانی را
- ۲۸ که عداوت کنند شمارا \* و تبرک کوئید اشخاصی را که لعنت کنند شمارا و دعای خیر نمائید آنانی را که با شما بد رفتاری نمایند \* و آنکس که تورا بر رخ زند رخ دیگر را پیش آر و آنکس که می گیرد قبای
- ۳۰ تورا از گرفتن پیراهنش منع نما \* و هر کس که سؤال نماید تورا بده و از آنکس که گیرد چیزهای تورا باز مخواه \* و چنان که میخواهید مردم نشاء عمل کنند شما نیز بهمان طور بایشان عمل نمائید
- ۳۲ \* چه اگر دوست دارید آنانی را که دوست دارند شمارا مر چیست فضیلت شمارا زیرا که بدکاران نیز دوست دارند کسانی را
- ۳۳ که دوست دارند ایشانرا \* و اگر نیکی کنید کسانی را که نیکی کنند شمارا چه چیز است فضیلت شما زیرا که کناه کاران نیز
- ۳۴ اینچنین کنند \* و اگر عاریت دهید ایشانرا که امید باز یافتن از ایشان دارید پس چیست شرافت شما زیرا که کناه کاران
- ۳۵ بکناه کاران نیز عاریت دهند که عوض یابند \* اما دشمنان خود را

دوست دارید و نیکی نمائید و عاریت دهید بدون امید عوض و مرد  
 شما بسیار خواهد بود و فرزندان الاعلا خواهید بود زیرا که او بر نا  
 ۳۶ شکران و بدکاران نیز مهربانست \* پس رحیم شوید آن چنان که  
 ۳۷ پدر شما رحیم است \* و عیسیوئی نمائید که بر شما عیب نخواهند  
 جست و تحکم بر کسی نمائید که بر شما تحکم نخواهد شد بیا مرزید  
 ۳۸ تا آمرزیده شوید \* بدهید تا واده شود شمارا و پسمانه خوب تپانیده  
 جنبانیده و لبریز شده را بدامن شما خواهند ریخت که پسموده خواهد  
 ۳۹ شد برای شما به پسمانه که می پمائید \* و با آنها این مثل را آورد که  
 آیا تواند کوری که رهنائی نماید کوری دیگر را آیا که نخواهند افتاد  
 ۴۰ هر دو در خندق \* و شاگرد را تفوقی بر استاد خود نیست بلکه هر  
 ۴۱ کس که کامل شود مثل استاوش خواهد بود \* و چونست که تو  
 آن خاشاک را که در چشم برادر تست می بینی و آن شاه تیر را  
 ۴۲ که در چشم تست نمی نگیری \* چگونه است که برادر خود را توانی  
 گفت ای برادر بگذار مرا که این خاشاک را که در چشم تست  
 بیرون کنم و آن شاه تیر را که در چشم تست ملتفت نیستی ای  
 حیل باز نخستین شاه تیر را از چشم خود بیرون آر آنگاه خوب  
 ۴۳ خواهی دید که از چشم برادرت خاشاک را بیرون کنی \* زیرا که  
 نیست هیچ درخت نیکوئی که ثمر بد بار آورد و نه درخت زشتی که  
 ۴۴ میوه نیکو آرد \* هم چنانکه شناخته میشود هر درخت از میوه خوون  
 از درخت خرابانند انجیر را و خجینند از بوته خار خوشه های انکور را  
 ۴۵ \* و بیرون آرد مرد نیکو از خزانه نیکوی دل خود چیز نیکو را و بیرون  
 آرد مرد بد از خزانه بد و لش چیز بد را زیرا که تکلم کند و دانش از



۲۶ لبریری آنچه ویرا در دلسنت \* وچونسیت که شما مرا آقا آقامی  
 ۲۷ نامید و آنچه میفومایم بعمل نمی آرید \* هرکس که بنزد من آید  
 ۲۸ وکلام مرا شنیده بجا آرد کویم شمارا که چه کس را ماند او \* آنکس را  
 ماند که خانه را میساخت وکنده و عمق داده بنیادش را بر سنگ  
 نهاده چون طوفان آمد سیل بر آن خانه صدمه زد نتوانست که  
 ۲۹ آنرا از جایی کند زیرا که بنیادش بر سنگ بود \* و آنکس که شنود  
 و بجا نیاورد آنکس را ماند که خانه بی بنیادی بر زمین ساخته باشد  
 که چون سیل صدمه زد فی الفور افتاد و شکستگی آخانه  
 عظیم بود

### باب هفتم

۱ و چون تمامی سخنهای خود را بسمع خلق رسانیده داخل بکفر ناحوم  
 ۲ کردید \* و یکی از یوز باشیانرا غلامی بود که نزدیک وی بسیار عزیز  
 ۳ میبود و از مرض قریب . هلاکت میبود \* چون خبر عیسی را شنیده  
 جمعی از مشایخ بهودرا نزدش روان نمود که از او استعدا نمایند که  
 ۴ آمده غلام اورا نجات بخشد \* پس ایشان بنزد عیسی حاضر  
 شده التماس بابرار نمود که گفتند که این لایق است آنرا که بر آن  
 ۵ احسان نمائی \* زیرا که او دوست دارد قوم ما را و خود نیز مجمع  
 ۶ برای ما ساخته است \* پس عیسی باتفاق ایشان روان گردیده  
 و در حوالی خانه آن یوز باشی رسیده بود که جمعی از دوستانرا  
 بنزدش فرستاده گفت که یا خداوند خود را زحمت ده زیرا که من  
 ۷ شایسته آن نیستم که در زیر بام من درائی \* و هم ازین سبب  
 خود را قابل آن ندیدم که بخدمت آمده باشم لیک یک کلمه

- ۸ بفرا که غلام من شفا خواهد یافت \* که من مردی هستم محکوم  
در تحت دیگری و میدارم در تحت خود سپاهیان را هرگاه بیکی  
بگویم برو رود و دیگری بیا آید و با غلام خود که بکن این را کند
- ۹ \* عیسی این سخنانرا شنیده تعجب فرموده و برگشته بجمعی که  
بعقب اومی بودند فرمود که شما را میگویم که من اینچنین ایمانی  
۱۰ در اسرائیل ندیدم \* چون کسانی که فرستاده شده بودند بر  
۱۱ گشتند بخانه غلام بیمار را تدرست یافتند \* و در روز دوم آنچنان  
اتفاق افتاد که بسوی شهری که نائین نام دارد راه میرفت  
۱۲ جمعی که شاگردانش میبودند و گروهی انبوه با وی میرفتند \* و چون  
بدروازه شهر نزدیک شد چنان شد که مرده را بیرون می آوردند  
که مادرش را همان یک فرزند بود و او زن بیوه بود و گروهی از  
۱۳ اهل شهر با آنرا بودند \* و خداوند او را دیده بر وی ترخم فرمود  
۱۴ و او را گفت گریه مکن \* و نزدیک آمده تابوت را مس کرده تا  
۱۵ حاملانش ایستادند فرمود ای جوان تو را گویم برخیز \* پس آن  
مرده راست نشسته آغاز سخن گفتن نمود پس او را مادرش  
۱۶ تسلیم کرد \* پس خوف همه را فرو گرفته خدا را سپاس میخواندند  
و میگفتند پیغمبری کلان در میان ما مبعوث شده است و اینکه  
۱۷ نظر کرده است خدا بر قوم خود \* پس این شهرت در باره وی  
۱۸ در همگی مرز و بوم اطراف پیچید \* و یحیی را شاگردانش تمامی این  
۱۹ چیزها مخبر نمودند \* پس یحیی دو نفر از شاگردان خود را طلب  
فرموده بنزد عیسی روان نمود و گفت آیا تو آنی که آمدنش ضرور  
۲۰ میبود یا دیگر را منتظر باشیم \* و آن مردان نزد وی آمده گفتند که

یحیی غسل و هنده مارا بنزد تو فرستاده گفته است که آیا آنکسی  
 ۲۱ که آمدنت ضرور بود یا ما منتظر باشیم و گیرا \* و در آن ساعت  
 بسیار را از بیمارها و درو و روحهای شریر شفا داده و بکوران  
 ۲۲ بسیار بینائی بخشید \* عیسی ایشانرا جواب داده فرمود که بروید  
 آنچه دیدید و شنیدید یحیی را خبر دهید که کوران بینا و لنگان روان  
 و مبروصین پاک و کوران شنوا و مرده کان برخاسته میگردند و بفقیهان  
 ۲۳ مژده داده میشود \* و خوشا حال آنکس که در باره من لغزش  
 ۲۴ نیابد \* چون فرستاده کان یحیی رفتند بطوایف آغاز تکلم در باره  
 یحیی فرموده که برای دیدن چه چیز شما در دشت رفتید آیا  
 ۲۵ نثری را که بهوا می جنبد \* و برای دیدن چه چیز بیرون شتافتید آیا  
 کسی که بلباس نرم ملتبس است اینک کسانیکه لباس فاخر  
 ۲۶ دارند و عیش و عشرت کنند در دولتخانههای پادشاهانند \* و بقصد  
 دیدن چه چیز بیرون رفتید آیا پیغمبری بلی شما را میگویم بلکه  
 ۲۷ پیش از پیغمبری \* اینست که در شان او نوشته شده است  
 اینک من قاصد خود را پیش روی تو میفرستم که راه تو را در پیش  
 ۲۸ روی تو مهیا خواهد گردانید \* و میگویم شما را که در میان انبیا نسا  
 پیغمبری بزرگتر از یحیی غسل و هنده نیست لیکن آنکس که  
 ۲۹ در ملکوت خدا کوچک تر است اوست بزرگ تر از او \* تمامی  
 خلق چون این را شنیدند و باج خوانان نیز تصدیق کردند خدا را که  
 ۳۰ بغسل یحیی غسل یافته بودند \* و فریسیان و فقیهان خواهش  
 ۳۱ خدا را در شان خود ضایع کردند زیرا که ازو غسل نیافتند \* خداوند  
 فرمود که من اشخاص این طبقه را بجه تشبیه کنم و آنها گرامانند

۳۲ \* آن اطفال را مانند که در بازار نشسته هم دیگر را خوانند و گویند که  
 ما برای شما نرودیم و شما رقص نکرودید و نوحه برای شما نمودیم  
 ۳۳ نکریدستید \* زیرا که چینی غسل و هنده آمده است که نه نان  
 ۳۴ مینورود و نه شراب می آشامد شما گوئید که دیو دارد \* و فرزند  
 انسان که آمده است خورنده و آشامنده گوئیدش مرد آکول  
 ۳۵ می پرست و هواخواه باج خوانان و کنه کاران \* ولیکن حکمت  
 ۳۶ تصدیق می یابد از همه فرزندان خود \* یکی از فریسیان ویرا  
 سؤال نمود که باوی خورده باشد چیزی را پس بخانه فریسی  
 ۳۷ و رآمده بنشست \* ناگاه زنی از آن شهر که کنه کار میبود چون  
 یافت که او در خانه فریسی نشسته است حقه عطری پیدا نموده  
 ۳۸ پس بعقب سر او کریان نزدیک پایهایش ایستاده شروع بتر  
 کردن پایهای او باشک خود نموده و بمویهای سر خود خشک  
 ۳۹ نموده و پایهایش را می بوسید و عطر می مالید \* آن فریسی که او را  
 خوانده بود این مقدمه را ملاحظه کرده با خود میگفتند چنانچه  
 اینکس پیغمبر بودی هر آئینه یافتی که این زن او را مس میکند  
 ۴۰ کیست و چه قسم زنیست زیرا که کنه کار است \* عیسی تکلم  
 فرموده ویرا گفت ای شمعون چیزی دارم بتو اظهار میکنم  
 ۴۱ گفت ای استاد بفرما \* گفت طلبکاری را دو بده کار بوزند که یکی  
 ۴۲ پانصد دینار بده داشت و دیگری پنجاه دینار \* چون چیزی نداشتند  
 که ادا نمایند هر دو را بخشید پس بگو که کدام یک از آنها او را  
 ۴۳ بیش دوست خواهد داشت \* شمعون در جواب عرض  
 کرد که کمان دارم که آنکس که باو بیشتر بخشیده است فرمود



۲۲ براستی جواب داده \* و بان زن اشارت نموده شمعون را گفت  
این زن را می بینی من در خانه تو در آمده آب برای پاهای من  
نیاوردی اما او پاهای مرا بشکها شسته بمویهای سر خود خشک  
۲۵ نمود \* تو مرا نبوسیدی و او از وقت آمدنم از بوسیدن پاهای من  
۲۶ باز نایستاده است \* و تو سر مرا برون چرب نمودی او پاهای  
۲۷ مرا عطر مالید \* و جهت این بتو میگویم که کنان بسیار او  
آمرزیده شد زیرا که بسیار دوست داشت و آنکس که اندک  
۲۸ دوست دارد برای او اندک آمرزیده شود \* و آن زن را گفت که  
۲۹ کنان تو آمرزیده شد \* و هم نشینان آغاز تکلم بیکدیگر نمودند که  
۵۰ کیست این که کنانرا نیز آمرزد \* زن را فرمود که ایمان تو تورا  
نجات داده است برو سلامت

### باب هشتم

- ۱ و بعد ازین بوقوع پیوست که او شهر بشهر و ده ده رفته ندای کرد  
و مژده ملکوت خدا را میداد و آن دوازده نفر او را همراه میبوند
- ۲ \* و بوند چند زن نیز که از ارواح پلیده و بیمارها شفا یافته یعنی
- ۳ مریم که بمجدلیه مسمی بود که از هفت دیو اخراج شده بود \* و یوحنا  
زوجه خوزا خزانه دار هیروودیس و سوسن و زنان بسیار دیگر که او را
- ۴ خدمت می نمودند از مال خود \* و چون جمعیتی وافر و کسانی که  
از هر شهر بتروش آمده بودند مجتمع گردیدند مثالی را نقل نمود
- ۵ \* که بر رگری برای پاهین تخم بیرون شتافت و چونکه تخم را می  
پاشید قدری بر کناره راه ریخته و پایمال گشته و برنده کان هوا آنرا
- ۶ بر چیدند \* قدری دیگر بر سنگ ریخته روئید و پژمرده شد زیرا که

- ۷ ریشه نداشت \* و قدری در میان خارا ریخته خارا با آن بهم بر  
 ۸ آمده آنرا خفه نمودند \* و قدری بر زمین نیکو افتاده روئید و صد  
 چندان ثمر داد چون این را فرمود پس فریاد نمود که هر کس که  
 ۹ کوش شنوا دارد بشنوو \* شاکردان پرسیدندش که چه چیز است  
 ۱۰ این مثل \* گفت که معرفت اسرار ملکوت خدا سپرده شده  
 است بشما و دیگرانرا بمثلها که چون بینند نه بینند و چون شنوند  
 ۱۱ نفهمند \* و مثل اینست که آن تخم کلام خداست \* آنچه بر سر  
 راهست آنانی هستند که می شنوند و ابلیس آمده کلام را از دل  
 ۱۳ ایشان میرباید که مبادا ایمان آورده نجات یابند \* و اصحاب  
 سنگ آنانند که چون بشنوند کلام را بخوشی پذیرند لیکن بیخی  
 ۱۴ ندارند بلکه مدتی ایمان آورده در زمان امتحان بر میگردند \* و آنچه  
 در میان خارا افتاد آنانند که شنیده اند و رفته بتفکرات و دولت  
 ۱۵ و لذات دنیوی مخنوق گردیده و ثمره را بکمال نرسانند \* و آنچه  
 بر زمین نیکو افتاد آنانند که بدل خوب و نیکو کلام را شنیده در  
 ۱۶ میگیرند و ثمره بدوام می آرند \* هیچ کس چراغی را روشن نموده که  
 آنرا در ظرفی پنهان نماید یا زیر تخت گذارد بلکه بر چراغدان  
 ۱۷ گذارد تا داخل شونده کان نور آنرا ادراک کنند \* زیرا که هیچ  
 پنهان نیست که آشکار خواهد گشت و نه هیچ مجبوس که معلوم  
 ۱۸ و روشن خواهد گشت \* پس توجهه نمائید که چگونه می شنوید زیرا  
 که کسی که دارد با و داده خواهد شد و کسی که ندارد آنچه را هم که  
 ۱۹ گمان دارد که دارد از و گرفته خواهد شد \* و مادر و برادرانش  
 بنزدیک وی آمده بسبب کثرت خلق فرصت ملاقاتش نمی

- ۲۰ یافتند \* و او را خبر داده گفتند که مادر و برادرانت بیرون ایستاده
- ۲۱ خواهند که تو را ملاقات نمایند \* ایشانرا جواب داده گفت که مادر و برادران من آناتند که کلام خدا را شنیده بر آن عمل نمایند
- ۲۲ \* و اینچنین اتفاق افتاد که روزی او و شاکر و انش در کشتی در آمدند و ایشانرا فرمود که بآنطرف دریاچه روان شویم پس ایشان
- ۲۳ روان شدند \* و وقتی که آنها بر دریاچه میرفتند او را خواب ربوده طوفان بر دریاچه فرو آمد پس کشتی آنها پر میشد و در خطر
- ۲۴ میبویزند \* پس ایشان پیش آمده او را بیدار نموده می گفتند مخدوما مخدوما هلاک می شویم و او برخاسته باد و تلاطم آب را نهیب
- ۲۵ کرده پس باز ایستاده ساکن شدند \* و ایشانرا فرمود که کجاست ایمان شما آنها خایف شده و متعجب گشتند و میگفتند با یکدیگر که کیست این شخص که نیز سیاد و آب حکم میناید و او را
- ۲۶ اطاعت مینمایند \* و ایشان تا مرز و بوم کدرئین که مقابل جلیل است رسیدند \* چون بر ساحل فرو آمد شخصی از شهر که مدت مدیدی بود که دیوان در او بودند و لباس پوشیده و در خانه
- ۲۸ نمانده بلکه در مقبره بسر میبرد و را دو چار شد \* و چون عیسی را دید فریاد نموده به پیش او افتاده باواز بلند گفت که اسی عیسی پسر خدای متعال مرا چه کار است باتو از تو استند عا مینایم که مرا
- ۲۹ عذاب ندهی \* چه او روح پلید را حکم نموده بود که از درون آن شخص بیرون آید زیرا که بارها میکشیدش با وجود آنکه او را برنجیرها و کندی حبس نموده محافظتش مینمودند کندها را شکسته و از راندن
- ۳۰ ویو بسوی بیابانها میرفت \* عیسی پرسیدش که نامت چیست

- ۳۱ گفت فوج زیرا که دیوان بسیار در او در آمده بودند \* وارو استند  
 ۳۲ نمود که آنها را نفرماید که بترف روند \* و بودند در آنجا کله خوک  
 بسیاری که بر کوه میخیزند ازو خواهش نمودند که اجازت دهد که  
 ۳۳ در آنها در آیند پس آنها را اجازت داد \* آنگاه دیوان از آنکس  
 بیرون شده باندرون خوکان در آمده و کله از قله کوه در دریاچه  
 ۳۴ افتاده خفه شدند \* و شبانان این ماجرا را ملاحظه نموده گریخته  
 ۳۵ آمدند و بشهر و دیات خبر دادند \* پس ایشان برای دیدن آن  
 مقدمه بنزد عیسی رسیده دیدند آنکس را که دیوان ازو اخراج شده  
 بودند که رخت پوشیده و هشیار نرویک پاهای عیسی نشسته  
 ۳۶ است پس ترسیدند \* و آنانی که دیده بودند ایشانرا خبر دادند  
 ۳۷ آن دیوانه چگونه نجات یافت \* پس تمامی خلق مرز و بوم کدرئین  
 که در آن حوالی بودند ازوی خواهش نمودند که از نزد آنها بیرون  
 زیرا که در خوف عظیم گرفتار شده بودند پس او در کشتی سوار  
 ۳۸ شده مراجعت نمود \* و آنمرد که دیوان از میانش بدر رفته بودند  
 ازو التماس نمود که باوی باشد اما عیسی او را از خو جدا نموده فرمود  
 ۳۹ \* بر کرد بخانه خو و آنچه خدا باتو نموده است بیان کن پس  
 روان گردیده و در تمامی شهر آنچه عیسی باوی کرده بود منادی  
 ۴۰ مینمود \* چون عیسی برگشت تمامی خلق او را استقبال نمودند  
 ۴۱ زیرا که همه انتظارش را می کشیدند \* و نگاه مروی که یائرس نام  
 داشت و خود بر مرکب مجسمی بود آمده بر پاهای عیسی افتاده ازو  
 ۴۲ استند نمود که بخانه وی در آید \* زیرا که بود او را و دختر یگانه قریب  
 بدوازده ساله که می مرد و در وقت رفتن خلق او را مزاحم می



- ۴۳ شدند \* وزنی بود که مدت دوازده سال بود که خون از وی جاری بود و همگی معیشت خود را بر اطباء خرچ نموده هیچ کس او را علاج نمی توانست نمود \* او بعقبش زده و آمدن رختش را مس ۴۴ نمود فی الفور جریان خورش ایستاد \* عیسی فرمود کیست که مرا مس نمود چون همگی انکار نمودند بطرس و رفیقانش عرض کردند که مخدوما خلق هجوم آورده زحمت میدهند تو میفرمائی ۴۵ کیست که مرا مس کرد \* عیسی فرمود مرا کسی مس کرده است زیرا که یافتم قوتی از من بیرون آمد \* چون آنرا دید که او پنهان نماد پس لرزان آمده او را سجده نمود و نزد تمامی خلق بیان نمود که ۴۶ بچه علت او را مس کرده بود و چگونه فی الفور شفا یافت \* ویرا گفت ای دختر خاطر جمع باش که ایمانت تو را نجات داده است ۴۷ برو بسلامت \* و او هنوز تکلم مینمود که کسی از ملازمان رئیس مجمع آمده او را گفت که دخترت مرد است او را تکلیف مکن ۵۰ چون عیسی این را شنیده ویرا در جواب گفت مترس ایمان بیمار ۵۱ و بس که نجات خواهد یافت \* چون بخانه درآمد هیچ کس را رخصت و دخول نفرمود مگر بطرس و یعقوب و یوحنا و پدر دختر و مادرش را ۵۲ \* و بودند همگی بجهت او گریه کنان و سینه زنان گفت مگر تید که او نموده ۵۳ است بلکه خوابیده است \* او را استهزای نمودند بعلت آنکه ۵۴ میدانستند که فوت شده است \* و تمامی را بیرون نموده و مشتش را گرفت و فریاد نمود که ای دختر برخیز \* پس روحش برگشته او فی الفور برخاست پس فرمود که او را چیزی خوراک داده باشند \* و والدینش ۵۵ متحیر شدند آنها را حکم فرمود که این واقعه را به هیچ کس مگوئید

باب نهم

- ۱ پس او دوازده شاگرد خود را طلب فرموده. بخشید ایشانرا
- ۲ قدرت و اختیار بر تمامی دیوان و شفا بخشیدن بر بیمارانش \* و آنها را
- ۳ ارسال نمود که بملکوت خدا نداء نموده بیمارانشرا شفا بخشند
- ۴ \* و ایشانرا فرمود که هیچ چیز بجهت سفر همراه خود بردارید نه
- ۵ چوبدستی نه توبه نه نان نه زر نه یک نفر دو جامه را \* و هر خانه
- ۶ که داخل شوید در آنجا توقف نموده تا از آنجا بیرون آئید
- ۷ \* و اشخاصیکه قبول نمایند شمارا چون از آن شهر بیرون آئید
- ۸ غبار پاپوش خود را بتکانید تا که شهادتی باشد بر آنها \* پس
- ۹ آنها بیرون رفته گذشتند و ده بده را تماماً دور هر جا مژده میدادند
- ۱۰ و شفا می بخشیدند \* و هر آنچه از وی صادر میشد هیروویس
- ۱۱ رئیس ربیع شنیده در تخیر می بود زیرا که بعضی گفتندی که یحیی
- ۱۲ از میان مردهگان برخاسته است \* و بعضی که الیاس ظاهر
- ۱۳ گردیده است و دیگران که یکی از پیغمبران سابق برخاسته است
- ۱۴ \* هیروویس گفت که یحیی را من سر بریدم این کیست که
- ۱۵ اینهارا در باره او می شنوم پس متفحص میبود که اورا ملاقات
- ۱۶ نماید \* و چون حواریان باز آمده آنچه کرده بودند با وی بیان نمودند
- ۱۷ ایشانرا برواشته خفیتاً در مکانی ویران از شهر می که بیت صیدا نام
- ۱۸ وارد متواری گشت \* و خلق یافته بعقبش رفتند پس ایشانرا
- ۱۹ پذیرفته از ملکوت خدا با ایشان سخن میراند و آنانی را که بعلاج
- ۲۰ محتاج بودند شفا بخشید \* و چون روز آغاز زوال نمود آن دوازده

- نفر پیش آمده گفتندش که مردم را مرخص فرما که در دوات  
حوالی و بلوکات رفته راحت نمایند و خورشی یابند زیرا که این  
۱۳ مقام ویرانست که ما میباشیم \* بآنها گفت که شما ایشانرا  
خورش بدهید گفتند که ما بیش از پنج نان و دو ماهی نداریم جز  
۱۴ آنکه رفته خورش بجهت تمامی خلق بخیریم \* بجهت آنکه قریب  
پنج هزار خلق می بودند پس شاکر دان را فرمود که مردم را  
۱۵ صف بصف صفی پنجاه نفر بنشانید \* پس باین طور کرده  
۱۶ تمامی را نشانیدند \* آنگاه پنج نان و دو ماهی را گرفته در آسمان  
نکریسته آنها را برکت داد و شکسته بشاکردان داد که پیش آنکرده  
۱۷ بگذارند \* پس همگی خورده سیر شدند و آن پاره‌هایی که از آنها  
۱۸ زیاد آمد برداشته شد مساوی دوازده طبق میبوز \* و چون بتنهائی  
بدعا مشغول بود و شاکردان با وی بودند از ایشان پرسید که مردم  
۱۹ مرا چه کس میگویند \* ایشان جواب داده گفتند که یحیی غسل  
دهنده و بعضی الیاس و بعضی یکی از پیغمبران سابق که بر خاسته  
۲۰ است \* بایشان فرمود شما مرا که میدانید پطرس جواب داد که  
۲۱ مسیح الله \* او ایشانرا حکم محکم فرموده که این را بهیچکس  
۲۲ مگوئید \* و فرمود که باید فرزند انسان را که بسیار زحمت کشیده  
رو کرده شود از مشایخ و کاهنان بر رک و نویسنده‌کان و کشته شود  
۲۳ و بر خیزد در روز سیم \* و همه را گفت که اگر کسی خواهد که در  
پی من آید باید نفس خود را مخالفت نموده صلیب خور را هر روز  
۲۴ برداشته پیروی من نماید \* زیرا که هرکس که خواهد که نجات  
۲۵ دهد جان خود را آنرا تلف خواهد نمود \* که چه سود دهد کسی را

که تمامی جهان را حاصل نموده نفس خود را ضایع کند یا آنکه بجای  
 ۲۶ از وی گرفته شود \* زیرا که هر کس که خجل باشد از من و از  
 کلام من فرزند انسان نیز چون بجلال خویش و بجلال پدر  
 ۲۷ خویش و فرشتگان مقدس رسد از و خجالت خواهد کشید \* و من  
 بشما راست میگویم که هستند بعضی ازین کسانی که در اینجا  
 ایستاده اند که مرا نخواهند چشید مگر آنکه ملکوت خدا را به  
 ۲۸ بینند \* و چنین شد که قریب بهشت روز بعد ازین سخن  
 پطرس و یوحنا و یعقوب را برداشته بکوه برای دعا کردن روان  
 ۲۹ شد \* و هنگامی که دعا مینمود ظاهر صورتش دیگر کون و لباس  
 ۳۰ او سفید و درخشان گردید \* و ناگاه دو مرد که موسی و الیاس  
 ۳۱ بودند با وی تکلم مینمودند \* که در جلال نمودار شده ذکر وفاتش را  
 ۳۲ که در اورشلیم نزدیک بود که واقع شود مینمودند \* و پطرس  
 و رفیقانش در خواب کران مینمودند و چون بیدار شده جلالش را  
 ۳۳ و آن دو مرد که با وی ایستاده بودند دیدند \* و چون ایشان از آن  
 جدا میشدند پطرس بعیسی گفت که مخدوما خوبست که ما در اینجا  
 توقف نمائیم سه مسکن بسازیم یکی برای تو و یکی بجهت موسی  
 ۳۴ و یکی برای الیاس و نمیدانست که چه میگوید \* و هنگامی که او  
 این سخنان را می گفت ابر شد و بر آنها سایه افکند و چون ایشان  
 ۳۵ داخل ابر میشدند ترسیدند \* و آوازی از ابر برآمد که میگفت  
 ۳۶ اینست پسر محبوب من از او استماع بکنید \* و بعد از این آواز  
 عیسی راتنها یافتند و ایشان سکوت نموده ذکر این چیزها که  
 ۳۷ دیدند در آن ایام به یکدیگر گفتند \* چون روز دیگر آنها از



۳۸ کوه پائین آمدند گروه بسیاری اورا استقبال نمودند \* نگاه مروی  
 از آن گروه فریاد نمود که ای استاد تورا التماس می نمایم که بر پسر من  
 ۳۹ بنکری زیرا که یگانه من است \* و نگاه روحی اورا می گیرد و فی  
 الفور او فریاد میکند و مضطرب گردیده کف می نماید و اورا خسته  
 ۴۰ کرده بدشواری ازو جدا می شود \* شاکردان تورا درخواست نمودم  
 ۴۱ که اورا بیرون نمایند نتوانستند \* و عیسی جواب داده گفت که  
 ای قوم بی ایمان کج رو تا کی من باشما خواهم بود و از شما تحمل  
 ۴۲ خوام نمود بیاور پسر خود را اینجا \* و هنوز می آمد که روح اورا انداخته  
 پاره پاره کرد و عیسی روح پلید را نهیب کرده پسر را شفا بخشید  
 ۴۳ و اورا بپدرش سپرد \* و همگی از هر کی خدا متحیر شدند و چون  
 تمامی از همه آنچه را که عیسی میکرد تعجب مینمودند شاکردان  
 ۴۴ خود را گفت \* که در کوشه های خود این کلام را نگاه دارید که  
 نزدیک است که فرزندان انسان بدسته های مردم تسلیم گروه شود  
 ۴۵ \* و آنها این کلام را نفهمیدند و از آنها مخفی ماند تا آنرا نیابند و از  
 ۴۶ پرسیدنش بخصوص آن سخن ترسیدند \* و در میان ایشان  
 ۴۷ مباحثه شد که کدام یک از آنها برتر است \* و عیسی تصور  
 ۴۸ قلوب آنها را یافته طفلی را گرفت و نزد خویش برپا نمود \* و ایشانرا  
 گفت که هر کس که قبول کند این طفل را باسم من مرا قبول  
 کند و آنکس که قبول کند مرا قبول کند آنکس را که مرا فرستاده  
 است و آنکس که در میان تمامی شما کوچک تر است همانست  
 ۴۹ برتر \* و یوحنا آغاز تکلم نموده گفت که ای مخدوم دیدیم کسی را  
 که باسم تو بیرون میکند و یونار و ما اورا منع کردیم زیرا که با ما پیروی

۵۰ نمی نماید \* عیسی ویرا گفت که منع مکنید زیرا که آنکس که بر ما  
 ۵۱ نیست از مامت \* و چون ایام برخاستنش نزدیک رسید عزم  
 ۵۲ خور را بسفر اورشلیم استوار نمود \* و پیش از خود قاصدان را فرستاده  
 آنها رفته یکی از وراثت سمیری داخل شدند که برای او آماده نمایند  
 ۵۳ \* آنها او را قبول نکردند زیرا که رای او برفتن اورشلیم بود \* چون  
 شاکردانش یعقوب و یوحنا این را دیدند گفتند که یا خداوند آیا  
 رای تو هست که حکم کنیم که آتش از آسمان آمده آنها را فرو  
 ۵۵ کیرد چنانچه الیاس کرد \* و او رورا کردانیده ایشانرا نهیب کرده  
 ۵۶ گفت که نمیدانید که شما از چه قسم روح سرشته شده اید \* زیرا که  
 فرزند انسان نیاید که جانهای مردم را هلاک کند بلکه نجات دهد  
 ۵۷ و رفتند بده و بیکر \* و هنگامی که راه میرفتند اتفاقا کسی در راه گفت  
 ۵۸ یا خداوند هر جا که تو میروی من بعقب تو خواهم آمد \* پس ویرا  
 گفت عیسی که روبان سوراخها دارند و پزنده گان هوا نشیمنها  
 ۵۹ ولیکن فرزند انسان برای نهادن سر جای ندارد \* و دیگری گفت  
 از پی من بیا گفت خداوند مرا اجازت ده که نخستین بروم و پدر  
 ۶۰ خور را دفن نمایم \* عیسی ویرا گفت بگذار که مرده گان مرده گان  
 ۶۱ خور را دفن نمایند اما تو برو و بملکوت خدا خبر ده \* دیگری گفت  
 ای خداوند من تو را پیروی خواهم نمود لیکن نخست اجازت ده  
 ۶۲ که تا اهل خور را وداع نمایم \* عیسی ویرا گفت که آنکس که دست  
 خور را بر خیش گذاشته پس نکر و قابل ملکوت خدا نباشد

### باب دهم

۱ و بعد ازین خداوند هفتاد نفر دیگر را انتخاب نموده بهر شهری

- و مقامی که خود قصد آن داشت آنها را دو بدو پیش روی خود
- ۲ روان میفرمود \* و ایشانرا فرمود که حصار بسیار است و حصار  
کن قلیل پس از خداوند حصار بخواید تا کارکنانرا برای حصار
- ۳ خود بیرون ناید \* بروید اینست من شمارا چون کوسفندان
- ۴ در میان کرکان میفرستم \* بهمراه مکیرید نه کیسه و نه تو بره و نه
- ۵ نعلین و هیچ کس را در راه سلام ننمائید \* و هر خانه که در آن
- ۶ درائید نخستین کوئید که سلام باد این خانه را \* و اگر فرزند سلامت
- در آنجا باشد سلام شما بر آن قرار خواهد گرفت والا بسوی شما
- ۷ باز گشت خواهد نمود \* و در همان خانه توقف نموده آنچه داشته
- باشند بخورید و بیاشامید زیرا که کارکن مستحق است مزد
- ۸ خویش را و از خانه بخانه دیگر مروید \* و هر شهری که در آن آید و آنها
- ۹ شمارا بنیزند چیزائی را که پیش شما بگذارند بخورید \* و به بیمارانی که
- در آنجا باشند شفا بخشید و بکوئید ایشانرا که آمده است ملکوت
- ۱۰ خدا بر شما \* و به هر شهری که در آئید و بنیزند شمارا بمیدانهای آن
- ۱۱ شهر در آمده بکوئید \* که حتی غباری را که از شهر شما بر ما می نشیند
- بر شما می تکانیم لیک این را دانسته باشید که ملکوت خدا نزدیک
- ۱۲ شما آمده است \* و شمارا میگویم که در آنروز بر سدوم آسانتر
- ۱۳ خواهد بود که بر آن شهر \* و امی بر تو امی خوزین و امی بر تو امی
- بیت صیدا زیرا که اگر آن معجزاتی که در شما بوقوع پیوست در
- صور و صیدا میشد آنها مذتهای مدید در پلاسی و فاکستر نشسته توبه
- ۱۴ می نمودند \* ولیکن برای سور و صیدا در روز جزا اسهل خواهد بود
- ۱۵ که برای شما \* و تو امی کفر ناحوم که تا آسمان سر کشیده بجهنم

- ۱۶ فرو خواهی شد \* وانکس که قبول کند شمارا مرا قبول کرده  
است وانکس که تحقیر کند شمارا تحقیر کند مرا وانکس که تحقیر  
۱۷ کند مرا تحقیر کند انکس را که مرا فرستاده است \* پس آن هفتاد  
نفر با خرمی مراجعت نموده گفتند یا خداوند دیوان هم باسم تو  
۱۸ اطاعت می کنند ما را \* پس ایشانرا گفت که من شیطانرا دیدم  
۱۹ که چون برقی از آسمان افتاد \* واینک قدرت میدهم شمارا  
که بر ماران و بر عقارب پایالی کنید و بر تمامی قدرت دشمنان  
۲۰ هیچ چیز متضرر نخواهید شد \* ولیکن ازین مسرور مشوید که ارواح  
اطاعت شمارا مینمایند بلکه اولی این است که خوشوقت باشید  
۲۱ بجهت آنکه نامهای شما در آسمان نقش شده است \* و در  
آنوقت عیسی در دل خوشوقت گشته گفت والدا خداوند آسمان  
وزمینا سپاس میکنم تو را که این چیزرا از ارباب عقول  
واصحاب کیاست مخفی داشته و بر اطفال نمودار کرده آری والدا  
۲۲ زیرا که همین نزد تو رضا بود \* و بسوی شاکردان گردیده فرمود که  
تمامی چیزها از پدر من بمن تفویض شده است و هیچ کس نمیداند  
که کیست پسر مکر پدر و پدر کیست مکر پسر وانکس که پسر  
۲۳ خواسته باشد که بر او هویدا نماید \* و بسوی شاکردان بپنهانی نکر بسته  
۲۴ گفت خوشا حال چشمانی که می بینند آنچه می بینید \* زیرا که من  
میکوم شمارا بسیاری از پیغمبران و پادشاهان خواستند که آنچه  
شما می بینید به بینند و ندینند و آنچه می شنوید بشنوند و نشنیدند  
۲۵ \* ناکاه یکی از فقیهان بجهت امتحانش برخاسته گفت که ای  
۲۶ استاد مرا چه باید نمود که حیات جاوید را یابم \* ویرا گفت که در آئین



۲۷ چگونه نوشته شده است و چگونه مطالعه میثائی \* او جواب داده  
گفت تو خدای خداوند خور را بهم دل و همه جان و همه توانائی  
و همه اندیشه خود دوست بدار و آشنای خود را نیز چون خود  
۲۸ \* ویرا گفت که جواب نیکوگفتی چنین کن و خواهی زیست \* و او  
قصه ترکیه خود نموده عیسی را گفت که کیست آشنای من  
۲۹ \* عیسی سؤالش را یافته گفت کسی که از اورشلیم بسوی یرجیا  
میرفت در میان دزدان افتاد و آنها برهنه اش نموده چوبش زده  
۳۰ رفتند و او را نیم کشته شده گذاشتند \* قضا را گاهنی از آنراه رفته  
۳۱ او را دید و از مقابلش گذشت \* و لاوی نیز بحوالی آنجا رسید  
۳۲ نزدیک آمده او را دیده از کناره جسته روان شد \* و سمری که در  
۳۳ سفر بود بجائی که او بود رسیده او را دیده رحم نمود \* و نرد وی آمده  
زخمهایش را روغن زیتون و شراب ریخته بر بسته و بر مرکب  
۳۴ خویشش نشاند و بکاروانسرایش برده از وی باخبری بود \* روز دیگر  
خود بیرون آمد و دو دینار برادر او داده ویرا گفت که از او باخبر بوده  
۳۵ هرچه ازین بیش خرجش کنی چون آیم بتو او را خواهیم نمود \* کدام  
ازین سه نفر تو را معلوم میشود که آشنای آنکس باشد که در میان  
۳۶ دزدان افتاده بود \* گفت آنکس که بروی رحمت نموده عیسی  
۳۷ ویرا گفت برو و همان قسم عمل کن \* و هنگامی که در راه میبودند  
اتفاقا در یکی از دلت در آمده زنی مرثا نام او را بخانه خود برد  
۳۸ \* و او را خواهری بود مریم نام که نزدیک پایهای عیسی نشسته  
۳۹ کلامش را استماع مینمود \* و مرثا از لثرت خدمت در تردد میبود  
و پیش آمده گفت یا خداوند ملاحظه نمی نمائی که خواهرم مرا تنها

۳۱ در خدمت گذاشته است بفرما اورا که مرا مدد کند \* وعیسی ویرا  
جواب داده گفت ای مرثا مرثا تو از برای اشیای کثیره در تردد  
۳۲ واضطراب میباشی \* لیکن آخه ضروریست یک چیز است  
و مریم حصه خوب را برگزیده است و آن ازو گرفته نخواهد شد

### باب یازدهم

۱ و هنگامی که او در مکانی از امکانه نماز میگذارد چون تمام شد یکی از  
شاگردانش وی را گفت که یا خداوند پیامبر ما را نازمی چنانکه  
۲ یحیی آموخت شاگردان خویش را \* ایشانرا گفت چون نماز  
کنارید بگوئید ای پدر ما که در آسمانی مقدس باو اسم تو و آید  
پادشاهی تو و کرده شود خواهش تو در زمین چنانچه در آسمانست  
۳ \* نان کفاف ما را روز بروز بما به بخش \* و پیامرز کنان ما را که ما  
نیز هر یک وام دار خود را می آموزیم و میاور ما را در مقام امتحان  
۴ بلکه رستگاری ده ما را از شریر \* و ایشانرا گفت چنانچه کسی از  
شما دوستی داشته باشد و نصف شب بنزد وی رفته بگوید ای  
۵ دوست سه نان بمن عاریت ده \* که یکی از دوستان از راه  
۶ بنزد من آمده است و من ندارم چیزی که به پیشش گذارم \* و او  
از درون جواب دهد که زحمت ده مرا زیرا که الحال در بسته  
است و فرزندان با من در رخت خواب خوابیده اند نمی توانم  
۸ برخاست که تورا نان دهم \* من میگویم شمارا که اگر چه آن  
شخص نخواهد برخاست که او را نان بدهد بعلت دوستی لیک  
بعلت بی شرمی او خواهد برخاست و آنچه را بدان محتاجست  
۹ باو خواهد داد \* و من نیز شمارا میگویم که بخواهید که بشما داده

- خواهد شد و بگوئید که خواهید یافت و بگوئید که کشاوه خواهد شد
- ۱۰ \* زیرا که هر آنکس که میخواهد بگیرد و آنکس که میخواهد می  
 ۱۱ باید و برای آنکه گوید کشاوه خواهد شد \* و کیست از شما که پدر  
 باشد و پسرش نان خواهد سنگی باو خواهد داد و یا اگر ماهی  
 ۱۲ خواهد بعوض ماهی ماری بوی دهد \* یا اگر تخم مرغی خواهد ویرا  
 ۱۳ عقری خواهد داد \* پس چون شما با وجود آنکه بد هستید  
 بخششهای نیکو را بفرزندان خود توانید نمود پس بچند مرتبه ازید  
 ۱۴ پدر آسمانی روح القدس را بطلبان خود خواهد داد \* و او بیرون  
 میگرد و بوی را که کنک میبوی و چون دیو بیرون شد آن کنک  
 ۱۵ حرف زد و مردم تعجب نمودند \* و میگفتند بعضی از آنها که او  
 ۱۶ بمردو بعزبول رئیس دیوان دیوانرا اخراج میکند \* و دیگران در مقام  
 ۱۷ امتحان از وی آیت سماویرا مطالبه نمودند \* او خیالات ایشانرا  
 دریافته ایشانرا گفت که هر مملکت که برخلاف خود منقسم شود  
 ۱۸ ویران شود و هر خانه که بخلاف خانه منهدم گردد \* پس اگر شیطان  
 برخلاف خود منقسم شود سلطنتش چگونه پایدار باشد زیرا که شما  
 ۱۹ میگوئید من دیوانرا به بعزبول اخراج مینمایم \* و اگر من بیرون  
 کنم دیوانرا به بعزبول پس انبای شما بمردو که اخراج مینمایند  
 ۲۰ و بجهت این ایشان بشما انصاف خواهند نمود \* و اگر بانگشت  
 خدا دیوانرا اخراج میکنم هر آینه ملکوت خدا بشما رسیده است  
 ۲۱ \* چون مرد نیرومندی سلاح پوشیده خانه خود را پاس دارد اموال  
 ۲۲ او بسلامت است \* چون مردی نیرومندتر از او آمده او را زبون  
 سازد و سلاحی را که بر آن اعتماد داشت میگیرد و اموال او را

۲۲ قسمت نماید \* آنکس که نیست بامن بر منست و آنکس که  
 ۲۳ جمع نمیکند بامن پرکنده مینماید \* چون روح پلید از شخص بیرون  
 آید بطلب استراحت از میان اراضی بی آب کند و چون  
 نیاید گوید که بسوی خانه خود که از آنجا بیرون شده ام باز خواهم  
 ۲۴ گشت \* و آمده آنرا یابد که جاروب شده و آراسته است \* آنگاه  
 روزه و هفت روح و یک که از خود شیرتر اند با خود گرفته داخل میشود  
 و در آنجا مسکن مینماید و اواخر آن شخص بدتر از اوایل میشود  
 ۲۵ \* و هنگامی که او این سخنانرا تکلم مینمود زنی از آنکروه باواز بلند  
 ویرا گفت خوشا حال آن رحم که تو را پرورد و آن پستانها که تو  
 ۲۶ مکیدی \* و گفت بیشتر خوشا باحوال آنها که کلام خدا را شنیدند  
 ۲۷ و آنرا نگاه دارند \* چون مردم جمع میشدند شروع بتکلم فرمود که  
 بد طبقه هستند این طبقه طالب هستند آیتی را و هیچ آیتی بآنها  
 ۲۸ داده نخواهد شد مگر آیت یونس پیغمبر \* زیرا چنانکه یونس  
 بجهت نینویان آیت شد همان قسم فرزند انسان برای این  
 ۲۹ طبقه خواهد بود \* و خواهد بر خاست ملکه جنوب در محکمه با  
 مردم این طبقه و حکم خواهد نمود بر آنها زیرا که از اقصای زمین  
 آمد که حکمت سلیمانرا بشنود و اینک بیشتر از سلیمان در  
 ۳۰ اینجا است \* و خواهند بر خاست مردان نینوی در محاکمه با این  
 طبقه و بر آنها حکم خواهند کرد زیرا که ایشان توبه کردند از وعظ  
 ۳۱ یونس و اینک بیش از یونس در اینجا است \* و هیچ کس نیست  
 که افرورد چراغی را در پنهانی نهد یا زیر پسمانه بلکه بر چراغدان  
 ۳۲ نهد تا آنان که داخل شوند به بینند روشنی آنرا \* و چراغ بدن



چشم است مدامی که چشمست مصفا است تمامی بدن تو پر نور  
 ۳۵ است و چون مکرر باشد بدن تو نیز تاریکست \* پس با حذر  
 ۳۶ باش مبادا آن نور که در تست ظلمت شود \* چنانچه اگر بدن  
 تو تماماً روشن باشد هیچ جز تاریک ندارد همه اش منور خواهد  
 ۳۷ بود چون چراغی که بر روشنی خود توراً منور کند \* و هنگامی که او تکلم  
 مینمود یکی از فریسیان از وی سؤال نمود که با وی چاشت خورد  
 ۳۸ پس در آمده بنشست \* و فریسی چون دید که او پیش از چاشت  
 ۳۹ نشست و نشو نمی نماید حیران شد \* خداوند ویرا گفت که شما  
 فریسیان بیرون کاسه و بشقاب را پاک مینمائید و درون شما پر  
 ۴۰ از ظلم و شرارتست \* ای بیوقوفان آنکس که ساخت بیرون را  
 ۴۱ آیا او نساخت اندرون را \* لیکن موجودات را بخیرات تصدق  
 ۴۲ دهید که اینک همه چیزها از برای شما پاک کرد \* لیکن وای بر  
 شما ای فریسیان که شما ده یک از پوینده و سداب و انواع  
 سبزیها را میدهد و انصاف و محبت خدا را میکنارید بایست که  
 ۴۳ اینها را بجا آرید و آنها را نیز ترک نمائید \* وای بر شما ای فریسیان  
 زیرا که دوست میدارید شما بالا نشستن مجامع را و سلام نمودن  
 ۴۴ در بازارها \* و وای بر شما ای نویسندگان و فریسیان ریاکار زیرا که  
 ۴۵ شما مانند قبرهای پنهان هستید که مردم بر آنها میروند و ندانند \* یکی  
 از فقیهان تکلم نمود ویرا گفت ای استاد ازین سخنانی که تو  
 ۴۶ میگوئی ما را نیز سبب مینمائی \* گفت وای بر شما نیز ای فقیهان  
 زیرا که شما بارهای کرانرا بر مردم می نهید و خود یک انگشت بآن بارها  
 ۴۷ نمیکذارید \* و وای بر شما زیرا که خود میسازید قبور پیغمبران را و حال

۴۸ آنکه کشتند آنها را پدران شما \* پس شهادت میدهید و راضی  
هستید بکارهای پدران خود زیرا که ایشان کشتند آنها را و شما  
۴۹ قبرهای ایشانرا میسازید \* و از آنجاست که حکمت خدا فرموده  
است که من پیغمبران و رسولانرا بنزد ایشان خواهم فرستاد  
۵۰ و بعضی را خواهند کشت و بعضی را زجر خواهند نمود \* تا از این  
طبقه باز خواست شود خون تمامی پیغمبران که از آفرینش جهان  
۵۱ ریخته شده است \* از خون ابیل تا خون زکریا که در میانه  
قربانگاه و خانه هلاک شد هرآنکه بشما میگویم که از همین طبقه باز  
۵۲ خواست خواهد شد \* وای بر شما ای فقیهان زیرا که گرفته اید  
کلید معرفت را نه خود در می آئید و در آیندگانرا نیز باز میکروانید  
۵۳ \* هنگامی که او این سخنانرا بایشان میگفت نویسنده کان  
و فریسیان در باره بسیاری مقدمات در او با برام آویخته و او را که  
۵۴ نموزند \* و در کمین و جویای این می بوزند که چیزی از دانش  
بچنگ آرند تا جای شکایت از او یابند

### باب دوازدهم

۱ در هنگامی که هزاران هزار خلق جمع آمده بوزند بنوعی که یکدیگر را  
پامال می نمودند بشما کروان آغاز تکلم نموده که بیش از هر چیز از  
۲ خمیر فریسیان با خذر باشید که این ریاضت \* زیرا که نیست  
چیزی نهفته که آشکارا نخواهد گردید و نه پنهانی که فاش نخواهد  
۳ گشت \* بجهت آنکه هر آنچه در تاریکی گفته اید در روشنی  
شنیده خواهد شد و هر آنچه در خلوت خانها در گوش گفته اید در  
۴ باهما منادی خواهد بود \* و شما دوستان خود میگویم که نترسید

از آنانی که چون بدنرا بقتل رسانند زیاده بر آن کاری با کس  
 ۵ نتوانند کرد \* و شمارا نشان دهم که از چه کس بترسید از آنکس  
 که بعد از کشتن قدرت آن دارد که در جهنم اندازد آری  
 ۶ میکویم که ازو بترسید \* آیا نیست که پنج کنجشک بدو فلس فروخته  
 میشود و حال آنکه هیچ یک از آنها در نزد خدا فراموش نمیشود  
 ۷ \* و تا بمویهای سر شما تمامی شمرده شده است پس نترسید  
 ۸ زیرا که از بسیاری کنجشکان افضلید \* و میکویم شمارا که هر آنکس  
 که تصدیق کند مرا در حضور مردم فرزند انسان نیز تصدیق کند  
 ۹ و مرا در حضور فرشتگان خدا \* و آنکس که مرا انکار کرد نزد مردم  
 ۱۰ انکار کرده خواهد شد در حضور فرشتگان خدا \* و هر آنکس که  
 نسبت حرفی بخلاف فرزند انسان بنزد آمرزیده خواهد شد اما  
 آنکس که نسبت بروح القدس ناسزا گوید آمرزیده نخواهد شد  
 ۱۱ \* چون شمارا در آرند در مجامع و نزد ارباب حکم و اقتدار میندیشید  
 ۱۲ که بچه نوع یا بچه ولیل ایشانرا جواب دهید یا تکلم نمائید \* زیرا  
 که روح القدس همان لحظه خواهد آموخت شمارا که چه باید گفت  
 ۱۳ \* و شخصی از میانه آنکروه گفت ای استاد مقرر فرما که برادر  
 ۱۴ من میراث را با من قسمت نماید \* ویرا گفت ای مرد کیست  
 ۱۵ که مرا قاضی یا قاسم بر شما تعیین نموده است \* و ایشانرا فرمود  
 که زهار از طمع با خدر باشید زیرا که حیات کسی بفرمانی اموال  
 ۱۶ تعلق ندارد \* و از جهت آنها مثلی را ایراد کرده فرمود که مرد  
 ۱۷ صاحب دولتی را زراعتش بسیار نیکو کردید \* او با خود اندیشیده  
 گفت که چون کنم که جائی را که محصول خود را در آن انبار

- ۱۸ نایم ندارم \* و گفت که چنین خواهم نمود که انباران خود را خراب  
نموده بزرگ تر سازم و همگی حاصل و مال خود را در آنجا انبار نمایم
- ۱۹ \* و بادل خود خواهم گفت که ای دل تو مال کثیر برای سالهای  
بسیار فراهم آورده حال آرام گرفته بخور و بیاشام و خوشوقتی کن
- ۲۰ \* لیکن خدا ویرا گفت ای احمق در همین شب جان تو را از  
تو باز خواهند گرفت و آنچه اندوخته که را خواهید بود \* هم چنین
- ۲۱ است آنکس که می اندوزد خزانه برای خود و آنچه دولت است  
نزد خدا پیدا نمی نماید \* و شاکردان خویش را فرمود که هم ازین  
سبب است که شما را میکویم که بجهت نفس خود میندیشید
- ۲۲ که چه خورید و برای تن که چه پوشید \* که جان بیش از خوراک است  
و تن بیش از پوشاک \* و بنگرید کلاغانرا که نه تخم کارند و نه درو  
نمایند و نه مخزن و نه انبار است آنها را و خدا رزق میدهد آنها را
- ۲۳ شما بچند مرتبه از مرغان افضلید \* کیست از شما که باندیشه  
تواند یک ذراع بر قامت خویش بیفزاید \* پس اگر چیزی باین  
حقارت را نتوانید کرد چو نیست که در باقی چیزها تفکر مینمائید \* بنگرید  
سوسنهارا که چگونه میرویند و حال آنکه نه تعب میکشند و نه میریهند  
و من بشما میکویم که سلیمان هم با مجموع هر کسی خود مانند یکی از  
اینها نبوشیده شد \* پس اگر آن گیاهی را که امروز در صحرا است  
و فردا در تنور افکنده میشود خدا باین طور بوشاند پس چه قدر بیشتر
- ۲۴ شما را ای کم اعتقادان \* و شما در تفحص مباحثید که چه خورید  
و چه آشامید و متحیر مباحثید \* که خلق جهان تمامی این چیزها را  
میجویند لیکن پدر شما میدانند که شما محتاج باین چیزها هستید



- ۳۱ \* لیکن بجوئید ملکوت خدا را که تمامی این چیزها نیز برای شما زیاده  
 ۳۲ خواهد کشت \* مترسید اسی کله کوچک زیرا که خواهش پدر شما  
 ۳۳ اینست که ملکوت را بشما بدهد \* آنچه دارید فروخته بخیرات  
 بدهید و کیسهائی که کهنه نمی شوند و خزانه که زایل نمی شود در  
 آسمان بجهت خود پیدا کنید آنجائی که نه دزد نرویک آید و نه بید  
 ۳۴ خراب کند \* زیرا که هر جا که خزانه شماست دل شما نیز خواهد بود  
 ۳۵ \* پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و فروخته باشد چراغهای شما  
 ۳۶ \* و خود باشید مانند آنکسانی که انتظار می کشند آقای خود را که کسی  
 از عروسی باز آید که چون آید و در زند دفعه در را کشایند  
 ۳۷ \* خوشحال آن نوکران که چون آقا آید بیدار یابد آنها را و من بشما  
 میگویم که بدرستی که کمر خود را بسته آنها را خواهد نشانید و نزد  
 ۳۸ شان آمده آنها را خدمت خواهد نمود \* و اگر آید در پاس دویم یا  
 ۳۹ در پاس سیم و چنین یابد پس خوشحال آن نوکران \* و خود  
 میدانید این را که چنانچه صاحب خانه دانستی که دزد در کدام  
 ساعت آمدی هر آینه بیدار بوده نگذاشتی که خانه او را نقب زنند  
 ۴۰ \* پس شما نیز مهیا شوید زیرا که در ساعتی که گمان ندارید فرزند  
 ۴۱ انسان خواهد آمد \* پطرس گفت ای آقا تو این مثل را با آنها  
 ۴۲ میگوئی یا آنکه همه \* خداوند گفت کیست ناظر امین و انشمندی  
 که آقای او بر سایر نوکرانش مقرر کرده که حصه نان آنها را در  
 ۴۳ وقت داده باشد \* و خوشحال آن نوکری که چون مولایش آید یابد  
 ۴۴ که چنین میکنند \* بشما میگویم بدرستی که او را بر تمامی اموال  
 ۴۵ خود مختار خواهد ساخت \* و چنانچه آن نوکر با خود اندیشد که

آقای من در آمدن تأخیر مینماید و آغاز زدن غلامان و کنیزان  
 ۲۶ و خوردن و آشامیدن و مست شدن نماید \* آقای آن نوکر در  
 روزی که منتظر نباشد و در ساعتی که نداند خواهد آمد و او را دو  
 ۲۷ نیمه ساخته قسمت او را با بیدینان مقرر خواهد ساخت \* پس  
 نوکری که خواهش مولای خود را دانسته بر وفق خواهش آماده  
 ۲۸ نمود و بجا نیاورده باشد بسیار تازیانه خواهد خورد \* و آنکس که  
 ندانسته کرد و اموری را که قابل تازیانه باشد قلیلی تازیانه خواهد  
 خورد و هر کس که ویرا بسیار داده اند از و بسیار خواهد طلبید  
 ۲۹ و آنکس که بسیار با و سپرده اند زیاده مطالبه خواهد نمود \* و من  
 آمده ام که آتش را بر زمین فرود آورم و چه بسیار میخواهم که حال  
 ۵۰ افروخته شود \* و میباشد برای من غسلی که باید بیایم آنرا و چه  
 ۵۱ بسیار در تنگی هستم که تا وقت آن بسر آید \* آیا کمان دارید  
 که من آمده ام که صلح را بر زمین آورم نی بلکه میکوم شمارا که  
 ۵۲ مفارقت را \* زیرا که ازین وقت پنج نفر از یک خانه دو از سه و سه  
 ۵۳ از دو مفارقت خواهد نمود \* و پدر از پسر و پسر از پدر و مادر از دختر  
 و دختر از مادر و مادر شوهر از عروس و عروس از مادر شوهر خود  
 ۵۴ مفارقت خواهد نمود \* و هم بخلق گفت که چون ابر برای بینید  
 که میخیزد از مغرب فی الفور کوئید باران آید و چنین شود  
 ۵۵ \* و چون بینید که باد جنوب می وزد کوئید که گرم شود و میشود  
 ۵۶ \* ای ریاکاران روی زمین و آسمانرا توانید یافت چگونه این  
 ۵۷ زمانرا نمی شناسید \* و چرا از خود نیز انصاف بحق نمیشاید  
 ۵۸ \* و هنگامی که با خصم خود نزد حاکم روی در راه جهد کن که تو را

عفو نماید که مبادا تورا بنزد قاضی کشیده قاضی تورا پسر هنک  
 ۵۹ سپارد که پسر هنک تورا در زندان اندازد \* میگویم تورا که از آنجا  
 بیرون خواهی آمد مگر آنکه فلس آخرین را داده باشی

### باب سیزدهم

- ۱ و در آن هنگام تنی چند حاضر بودند که او را خبر میدادند از جلیلیان
- ۲ که پیلطس خون ایشانرا با قربانیهای ایشان آمیخته بود \* و عیسی  
 ایشانرا جواب داده فرمود که آیا کمان دارید که این جلیلیان  
 بیش از همه جلیلیان دیگر گناه کار بودند که چنین عذابی را در
- ۳ یافتند \* من بشما میگویم که نی لیکن اگر شما توبه نکنید تمامی باین
- ۴ طور هلاک خواهید شد \* و یا آن هجده نفر که برج در سیلوها بر  
 آنها فرود آمده آنها را هلاک نمود کمان دارید که بیش از همه
- ۵ ساکنان اورشلیم بدکار میبوند \* من بشما میگویم که نی لیکن اگر
- ۶ شما توبه نکنید بهمین طور همه هلاک خواهید شد \* و این مثل را  
 فرمود که شخصی را درخت انجیری بود که در تا کستانش غرس
- ۷ نموده بودند و آمده ثمر آنرا جستجو کرده نمی یافت \* تاک نشانرا  
 گفت که حال سه سالست که می آیم و ثمر این نهال انجیر را
- ۸ جسته نمی یابم آنرا بپر چرا بار این زمین باشد \* در جواب گفت  
 ای آقا امسال دیگر آنرا واکذار که اطراف آنرا بکنم و کود اندازم
- ۱۰ \* آن هنگام اگر ثمر آورد و هو المطلوب والا آنرا ببر \* و در روز
- ۱۱ سبت در یکی از مجامع وعظ می نمود \* و ناگاه زنی بود که از
- مدت هجده سال روح ضعف داشت و خم شده مطلقا نمی
- ۱۳ توانست که راست نشیند \* عیسی او را ملاحظه فرموده او را

۱۳ خوانده گفت ای زن از ضعف خود بیرون آی \* و دستهای  
 ۱۴ خود را بر او نهاده دفعی راست شد و خدا را سپاس می نمود \* پس  
 برترک مجمع بهم برآمده زیرا که عیسی او را در سبت شفا بخشید  
 و مردم را گفت که شش روز میباشد که در آن با باید بکارها پرداخت  
 ۱۵ در آن با آئید و شفا یابید نه آنکه در روز سبت \* خداوند ویرا جواب  
 فرمود که ای مکار آیا هیچ یک از شما در سبت کاو یا الاغ خود را  
 ۱۶ از آخور باز نمی نماید که برده آب دهد \* آیا این شخصه که دختر  
 ابراهیم است و شیطان او را حال هجده سالست که بند نموده  
 ۱۷ است نبایدست او را در روز سبت ازین بند رها نمود \* و چون  
 این سخنانرا میفرمود همگی مخالفان او خجل گشتند و قوامی خلق  
 بجهت کارهای عظیمی که ازو صادر می شد خوشوقت میبودند  
 ۱۸ \* و فرمود که ملکوت خدا چه چیز را ماند و من آنرا بچه چیز تشبیه نمایم  
 ۱۹ \* و آنه خردل را ماند که شخصی گرفته در کشت خود انداخته پس  
 روئید و درخت برترک شد و پرنده کان هوا در شاخهای آن  
 ۲۰ مسکن نمودند \* و باز فرمود که ملکوت خدا را بچه چیز تشبیه نمایم  
 ۲۱ \* خمیر پرا ماند که زنی گرفته در سه پیمانه آرد پنهان نماید تا هنگامی  
 ۲۲ که همه اش خمیری شود \* و شهر بشهر و ده بده میکشت و وعظ  
 ۲۳ می نمود و باور شلیم توجه می نمود \* شخصی ویرا گفت ای آقا آیا قلیلی  
 ۲۴ میباشد که نجات می یابند او در جواب ایشانرا فرمود \* جهد  
 کنید که از در تنگ داخل شوید زیرا که بشما میگویم که بسیاری بر  
 ۲۵ داخل شدن طالب میباشد و نخواهند توانست \* و بعد از آنکه  
 صاحب خانه برخاسته در را بسته باشد هر قدر شما از بیرون زیاده



در را بگویند و آقا آقا نماند که از برای ما در را باز کن در جواب  
 ۲۶ خواهد گفت که من شمارا نمی شناسم که از کجا میباشید \* و آنگاه  
 خواهید گفت که پیش روی تو خورده ایم و آشامیده ایم و تو در  
 ۲۷ کوچهای ما وعظ کرده \* و او خواهد گفت که من شمارا نمیگویم که  
 شمارا نمی شناسم که از کجا میباشید و در شوید از من ای همه  
 ۲۸ کندهگان کارهای ناصواب \* در اینجا که گریه و فشار زندان خواهد  
 بود چون ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همگی پیغمبران را بینید که  
 ۲۹ در ملکوت خدا میباشند و اینکه شمارا بیرون مینمایند \* و از مشرق  
 و مغرب و شمال و جنوب خواهد آمد و در ملکوت خدا خواهد  
 ۳۰ نشست \* و هر آینه کسانی که در آخر هستند اول خواهد بود  
 ۳۱ و کسانی که اول هستند آخر خواهند بود \* و در آنروز فریسی چند  
 آمده و پراگفتند که از اینجا بیرون آمده برو زیرا که هیرودیس  
 ۳۲ میخواهد که تورا بقتل رساند \* ایشانرا فرمود که شما بروید و آن  
 روباه بگوئید که حال من دیوانرا بیرون میثایم و فردا شما را  
 ۳۳ با تمام میرسانم و روز سیوم کامل میشوم \* و اما بایست که من  
 امروز و فردا و پس فردا در راه باشم زیرا که ممکن نیست که هیچ  
 ۳۴ پیغمبری بیرون از اورشلیم کشته شود \* ای اورشلیم اورشلیم که  
 پیغمبرانرا بقتل میرسانی و سنگسار میثائی کسانی را که بتو فرستاده  
 شده اند چند دفعه خواستم که فرزندان تورا جمع نمایم چنانچه موه مرغ  
 ۳۵ بجهای خود را زیر پرهای خود جمع کند و شما نخواستید \* اینک خانه شما  
 ویران کرده گذاشته میشود از برای شما و میگویم شمارا که مرا نخواهید  
 دید تا آنروزی که گوئید میمون آنکس است که باسم خداوند می آید

باب چهاردهم

- ۱ اتفاقاً در خانه یکی از بررکان فریسیان در روز سبت بجهت تناول طعام داخل گردید و ایشان او را مترقب میبوزند
- ۲ \* و شخصی نزد وی بود که مستسقی میبوز \* عیسی فقها و فریسیان را مخاطب فرموده گفت که آیا شما بخشیدن در سبت
- ۳ رواست \* ایشان خاموش ماندند پس او را گرفته شما بخشیده
- ۴ را نمود \* و ایشان جواب داده فرمود که کیست از شما که اگر
- ۵ حمار یا گاو او در چاه افتد در روز سبت فی الفور آنرا بر نخواهد
- ۶ کشید \* و آنها در بیقراری از جوابش عاجز میبوزند \* و از جهت
- ۷ مهمانان مثلی را ایراد فرمود چون ملاحظه فرمود که چگونه ایشان
- ۸ صدر مجلس را اختیار کردند \* پس فرمود ایشانرا که چون کسی
- ۹ تورا در زفافی بخواند در صدر مجلس بنشین که مبادا شخصی
- ۱۰ معززتر از تو را هم خوانده باشند \* آنکس که هر دو را خوانده است
- آمده بتو گوید که جای را باینکس بده آنوقت تو با نهایت خجالت
- ۱۱ پائین تر را اختیار کنی \* بلکه چون بخوانند تورا رفته در جائی
- پائین تر بنشین تا چون آنکس که تورا خوانده است آید بتو گوید
- ای دوست برتر نشین آنگاه تورا در میان هم نشینان عزت
- ۱۲ خواهد بود \* زیرا که هر کس که خورا غریز میدارد ذلیل خواهد
- شد و هر که خورا ذلیل میدارد غریز خواهد شد \* و آن شخص که
- اورا خوانده بود فرمود که چون چاشت یا شامی مهیا سازی
- دوستان خود یا برادران یا خویشان یا آشنایان دوستمند خود را
- مخوان مبادا که آنها نیز تورا بنوبت خوانده تورا عوض داده شود

۱۳ \* بلکه چون ضیافت نمائی فقیران و شلان و لنکان و کوران را  
 ۱۴ بخوان \* و خوش خواهد بود حال تو زیرا که ایشان نمی توانند  
 تورا عوض دهند پس در قیامت راستان تورا عوض داده خواهد  
 ۱۵ شد \* و شخصی از هم نشینان که این سخن را شنید ویرا گفت  
 ۱۶ خوشا حال آنکس که نانرا در ملکوت خدا خورده باشد \* او ویرا  
 ۱۷ گفت که شخصی ضیافت عظیمی نموده بسیاریرا خواند \* و در  
 ساعت موعود ملازم خوررا فرستاده که طلبیده کانرا بگوید که بیائید  
 ۱۸ زیرا که حال همه چیز آماده است \* و همه باتفاق شروع در غدر  
 خواهی نمودند نخستین باو گفت که من قطعاً زمین را خریده ام  
 و ضرور است که رفته آنرا به بینم از تو خواهش می نمایم که مرا معذور  
 ۱۹ داری \* و دیگری گفت که من پنج جفت گاو خریده ام میروم که  
 ۲۰ آنها را آزمایش کنم از تو سوال می نمایم که از من در کناری \* و دیگری  
 ۲۱ گفت که من زنی گرفته ام از آن سبب نمی توانم آمد \* پس آن  
 نوکر آمده مولای خوررا ازین نقلها خبر داد آنگاه صاحب خانه را  
 خشم گرفته و نوکر خوررا گفت در میدانها و کوچه های شهر بتعجیل  
 ۲۲ برو و فقیران و شلان و لنکان و کوران را باینجا حاضر کن \* و ملازم  
 گفت ای آقا آنچه ایچنان که تو حکم فرمودی شد و هنوز مکان خالیست  
 ۲۳ \* آقا ملازم را گفت براه و خیابانها برو و با برام داخل بگردان تا که  
 ۲۴ خانه من پر شود \* زیرا میگویم شمارا که هیچ کس از آن مردان که  
 ۲۵ خوانده شده بوزن شام مرا نخواهد چشید \* و جمع کثیری همراه  
 ۲۶ وی میبودند رورا گردانیده بایشان فرمود \* که اگر کسی بنزد من  
 آید که پدر و مادر و زن و فرزندان و برادران و خواهرای بلکه جان

۲۷ خوردا دشمن ندارد شاکرد من نمی تواند شد \* و هر کس که  
 صلیب خوردا بر ندارد و بعقب من نمی آید او نیز شاکرد من نمی  
 ۲۸ تواند بود \* کیست از شما که هرگاه خواهش آن نماید که برجی را  
 بسازد اول ننشیند و مظنه خرجش را ننماید که آیا برای اتمامش  
 ۲۹ کفایت دارد یا نه \* که مبادا بعد از آنکه بنیادش را نهاده باشد  
 ۳۰ بر اتمامش قادر نباشد و آنانکه بینند شروع در تمسخر نمایند \* و گویند  
 ۳۱ که این شخص شروع در ساختن نمود که بر اتمامش قادر نبود \* یا  
 کدام سلطان رود که با سلطان دیگر در آورد که نخستین نشسته  
 تامل نماید که آیا با ده هزار نفر میتواند بانکس که با بیست هزار  
 ۳۲ نفر می آید مقابله نماید یا نه \* و اگر نه چون او هنوز دور است  
 رسولی را فرستاده خواهش میکند چیزی را که مناسب صلح  
 ۳۳ باشد \* و همچنین هر یک از شما که خوردا از همگی مال خود  
 ۳۴ آزاد نسازد شاکرد من نمی تواند بود \* نمک خود خوبست ولیکن  
 ۳۵ اگر بکند و بکدام چیز اصلاح خواهد شد \* نه از برای زمین و نه  
 بجهت مزیله مصرف دارد بر درش میریزند هر کس که کوش  
 شنوا دارد بشنود

### باب پانزدهم

۱ چون تمامی باج کیران و خطاکاران بنروش می آمدند که کلامش را  
 ۲ استماع نمایند \* فریسیان و نویسندگان غوغا می نمودند و میگفتند  
 ۳ که این شخص کناه کارانرا می پذیرد و با آنها میخورد \* و او از  
 ۴ برای ایشان این مثل را ایراد کرده فرمود \* که کیست از  
 شما که صد کوسفند داشته باشد و چون یکی از آنها را کم کند آن



نور و نه را در صحرا ترک نکنند و بعقب کم شده نرو و تا وقتی که او را  
 ۶ بیابد \* پس یافته بر شانهای خود بخوشنودی گذارد \* و بخانه رسیده  
 دوستان و همسایگان را طلب نماید و گوید که با من در خوشوقتی  
 ۷ شریک باشید زیرا که من کوسفند کم شده خور را یافته ام \* و من  
 شما را میگویم که بهمین طور آن خوشنودی که در آسمان برای  
 یک خطاکار توبه کننده است بیش از آنست که برای نور و نه  
 ۸ از راستان که احتیاج بتوبه ندارند \* و کدام زنیست که ده درم  
 داشته باشد اگر یک درم را کم کند چراغ را نیفزود و خانه را جاروب  
 ۹ نماید و بسعی تفحص نکند تا وقتی که بیابد \* و چون یابد و دوستان  
 و همسایگان را فراهم آورد که با من در خورسندی شریک باشید  
 ۱۰ زیرا که درم کم شده خور را یافته ام \* و من بشما میگویم که همچنین  
 است از خوشی از برای فرشتگان خدا برای یک گناهکار توبه  
 ۱۲ کننده \* و گفت شخصی دو پسر داشت \* جوانتر از آنها پدر را  
 گفت ای پدر رسد مالی که بمن افتد بده پس مال را در مباد  
 ۱۳ آنها قسمت کرد \* بعد از چندی پسر کوچک اموال خود را جمع  
 نموده بمملکت بعیدی سفر نموده و در آنجا بکندان بیسما با اموال  
 ۱۴ خود را صرف نمود \* و چون همرا خرج کرد کرانی سخت از آن  
 ۱۵ ملک پیدا شد و او رو با احتیاج آورد \* پس رفته یکی از اهل آن  
 ملک خود را بسته آنشخص او را بکشتهای خود میفرستاد که خاک را  
 ۱۶ چراند \* و آرزو داشت که زان سبوسهائی که خاکان میخورند  
 ۱۷ شکم خود را سیر نماید هیچ کس ویرا نمیداد \* و آخر با خود آمده گفت  
 چند مزدوری پدر من نان فراوان دارند و من بکرسنگی هلاک

- ۱۸ میشوم \* پس من برخاسته بنزد پدر خود خواهم رفت و ویرا خواهم  
 ۱۹ گفت که ای پدر من در آسمان و نذر تو کنه کارم \* و شایسته  
 آن نیم که بعد ازین فرزند تو خوانده شوم مرا چون یکی از  
 ۲۰ مردوران خود محسوب دار \* پس برخاسته نزد پدر خود رفت و او  
 هنوز دور بود که پدرش او را دیده ترحم نموده و دیده ویرا در بغل  
 ۲۱ گرفت و او را بوسید \* پسر ویرا گفت که ای پدر من در آسمان  
 و نذر تو کنه کارم و شایسته آن نیستم که بعد ازین فرزند تو خوانده  
 ۲۲ شوم \* پدر ملازمان فرمود که بهترین خلعتی آورده او را بپوشانید  
 ۲۳ و انکشتین در دستش نائید و پایش نعلین را \* و کوساله پروار را  
 ۲۴ آورده فزج نائید که خورده و شادی نائیم \* زیرا که این پسر من  
 مرده بود و زنده شده است و کم شده بود و یافت شده است  
 ۲۵ پس شروع خوشوقتی نمودند \* و پسر برر کین در کشت زار میبود  
 چون آمده بخانه نزدیک شد صدای سازها و رقص را استماع نمود  
 ۲۶ \* یکی از غلامان را پیش خوانده پرسیدش که این چیست  
 ۲۷ \* ویرا گفت برادرت آمده است و پدر تو کوساله فربرا فزج نموده  
 ۲۸ است زیرا که او را صحیح باز یافته است \* و او خشم نموده خواست  
 که باندرون در آید پس پدرش بیرون شتافته از وی در خواست  
 ۲۹ کرد \* و او پدر را جواب داد که حال اینقدر سالهاست که بنده کی  
 تو را میکنم و گاهی از حکم تو تجاوز نموده ام و تو کاهل بر غاله بمن  
 ۳۰ نداده که بادوستان خود بشادی بکنرانم \* و چون این پسر تو که  
 معاش تو را بر فاحشان صرف نموده است آمد کوساله فربرا  
 ۳۱ برایش فزج نمودی \* ویرا گفت ای فرزند تو همیشه با منی و هر

۳۲ آنچه از آن منست زان تست \* بایست شادمانی کرد  
و خوشوقت بود زیرا که برادر تو مرده بود و زیست کرد و کم شده  
بود یافت شد

### باب شانزدهم

- ۱ و دیگر شاکردان خویش را فرمود که شخصی بود توانگر و ناظری  
داشت که در حق او بنزد وی شکایت میبردند که این اموال
- ۲ تو را پراکنده میسازد \* پس او را طلب نموده گفت چیست این  
سخنانی که در باره تو می شنوم محاسبه خور را باز ده که ممکن
- ۳ نیست که ما بعد امر نظارت بتوفویض شود \* آن ناظر با خویش  
اندیشید که چه سازم چون مولای من نظارت را از من کیرونه
- ۴ کار کردن کل را توانم کرد و نه از خجالت سؤال نمودن \* و بد رستی  
یافتم که چون کنم هنگامی که از نظارت معزول شوم مرا در خانهای
- ۵ خویش راه دهند \* پس هر یک وام داران مولای خویش را
- ۶ پیش خوانده نخستین را پرسید که بمولای من چند بده کاری \* او  
گفت که صد پیمانه روغن گفتش حجت خور را گرفته بنشین برودی
- ۷ پنجا مرقوم کن \* بعد ازین بدگیری گفت تو را چند باید داد  
گفت صد پیمانه کدم با وی گفت بگیر سند خور را و هشتاد نویس
- ۸ \* و آنجناب ناظر خاین را بسبب کار عاقلانه اش ستوده فرمود که
- ۹ ابنای روزگار در صفت خویش واناتراند از ابنای نور \* و من  
شمارا گویم که از دولت ناصواب خویش دوستان برای خویش
- مهیّا کنید که تا چون زلیل شوید شمارا در امکانه جاودانی جا دهند
- ۱۰ \* و آنکس که در شیئی قلیل معتمد است نیز در چیز کثیر معتمد

- ۱۱ است و خاین در قلیل نیز در کثیر خاین است \* چون شما دولت نا صواب را امین نبودید کیست آنکه دولت با صواب را بشما سپارد \* و چون شما در مال دیگری امانت بجا نیاوردید ۱۲ کیست که مال شما را بشما گذارد \* و نشاید که ملازمی دو مولی را خدمت کند زیرا که یا یکی را دشمن دارد و دیگری را دوست یا آنکه یکی را مصاحب باشد و تحقیر دیگری نماید پس نمی توانید که ۱۳ خدا را و هم مومن را بنده کسی نمود \* و فریستایی که زر دوست بوزند ۱۴ تمام این سخنان را شنیدند و او را تمسخر مینمودند \* و ایشان را گفت که آنان هستید که در نزد خلق خود را مصطفی مینمائید لیکن از دلهای شما خدا آگاهست که آنچه نزد خلق مطلوبست آن نزد خدا ۱۵ مبعوض است \* و شریعت و بیغمبری بود تا یحیی را و الحال بشارت داده میشود بملکوت خدا و هر کس بسعی در آن درمی آید \* و آسانتر است آسمان و زمین را زایل شدن از جا تا آنکه ۱۶ نقطه از شریعت زایل شود \* و هر کس که طلاق دهد زنی را که زن اوست و گیرد دیگری را زانیست و هر آنکس که آن زن ۱۷ مطلقه را گیرد نیز زانیست \* و صاحب مکنتی بود که پیوسته سرخ ۱۸ و حریر پوشیدنی و هر روز سرور و عیش منعمانه نمودی \* و مفلسی بود ۱۹ لعاصر نام که با بدن مقروح بر آستانش افتاده بود \* و پیوسته نیازمند بود که سیر شود از لقمه هائی که از خوان صاحب دولت ۲۰ می افتاد و سگان آمده زبان بر زخمهای او می مالیدند \* و چنین شد که آن فقیر را مرک دریافت و ملایکه او را تا بپهلوی ابراهیم ۲۱ بردند و آن غنی نیز مرد و بخاکش سپردند \* و در جهنم چون ۲۲



بعقوبت گرفتار مینمود چشمهای خود را کثوره ابراهیم را از دور  
 ۲۲ دید و در پهلویش لعاضرا \* و خروش بر آورده گفت که ای پدر  
 من ابراهیم بر من رحم نما و فرست لعاضرا که سرانگشت  
 خود را در آب نموده زبانم را خنک کرد و اند زیرا که درین شعله معذب  
 ۲۵ \* پس ابراهیم گفتش که ای فرزند یار از آنکه تو در ایام حیات  
 چیزای نیک را بخور تصرف نمودی و چنین بود مر لعاضرا بلا  
 ۲۶ پس اوست حال در تسلی و تو در عذاب \* و علاوه بر این همه  
 میانه ما و شما دره عظیم است که تا کسانی که خواهند از اینجا  
 عبور نموده بنزد شما آیند نتوانند و نه آنکسانیکه آنجا هستند نتوانند  
 ۲۷ بنزد ما آیند \* گفت پس ای پدر از تو است دعا می نمایم که تو او را بخانه  
 ۲۸ پدرم فرستی \* زیرا که پنج برادر که مراست آگاه سازد که مباد  
 ۲۹ آنها نیز باین مکان عذاب در آیند \* ابراهیم او را فرمود که موسی  
 ۳۰ و یغمبرانرا دارند از آنها بشنوند \* گفت نی ای پدر من ابراهیم  
 بدرستی که در صورتی که یکی از مرده گان بر ایشان در آید تایب  
 ۳۱ شوند \* باز فرمود در صورتی که موسی و یغمبران را نکرند چنانچه  
 از مرده گان هم کسی برخیزد نخواهند میل نمود

### باب هفدهم

۱ و فرمود شاکردانرا که لا بد است از آمدن چیزهای نا ملایم و وای  
 ۲ بر آنکس که بوساطتش بوجود آید \* و بهتر است او را که سنگ  
 آس بکزدن او آویخته بدریاش در اندازند از آنکه یکی ازین  
 ۳ اطفال را به لغزش در آرد \* از خود احتراز نما و چون برادرت با  
 ۴ تو خطا نماید متنبه اش ساز و چون توبه نماید به بخشش او را \* و چنانچه

در روزی هفت مرتبه نسبت بتو تقصیر نموده و روزی هفت کثرت  
 بسوی تو آمده گوید که توبه میکنم هرآینه تورا است آمرزیدنش  
 ۵ \* و حواریان بخداوند عرض کردند که زیاده کردان ایمان ما را  
 ۶ \* خداوند فرموده چنانچه شما ایمان را بقدر دانه خردلی میداشتید  
 هرآینه هرگاه باین درخت افراغ می گفشتید کنده و در دریا نشانده  
 ۷ شو اطاعت میکرد \* و از شما کیست که داشته باشد غلامی که  
 خویش نماید یا بچراند و چون از کشت باز آید الان گویدش که  
 ۸ بیا بنشین \* و نگویدش که چیزی برای آشام آمده کن و کمر در  
 خدمت بستم تا آنکه بخورم و بیاشامم و بعد از آن تو خور و بیاشام  
 ۹ \* آیا که ممنون شود از غلام که آنچه فرموده است بجا آرد مظنه  
 ۱۰ ندارم \* و همچنین است شمارا چون آنکه مقرر شده است کید  
 بگوئید که ما بنده کانی بی منفعت هستیم زیرا که آنچه بر ما واجب  
 ۱۱ بود کردنش همانرا کردیم \* و هنگامی که در راه اورشلیم سیر مینمودند  
 ۱۲ چنین شد که از مبیاه سمریه و جلیل عبور نمود \* و چون در قریه  
 از قراء درآمده ده نفر مبروص او را استقبال نموده از دور ایستادند  
 ۱۳ \* و ایشان صدرا بلند کرده گفتند که ای عیسی مخدوم ما ترحم  
 ۱۴ فرما \* پس نظر انداخته فرمود که رفته خورا بکاهنان نشان دهید  
 ۱۵ و بوقوع رسید که در هنگام رفتن ایشان پاک گردیدند \* و یکی از  
 ۱۶ آنها خون وید که شفا یافت باواز بلند حمدکنان برکشت \* و او را  
 ۱۷ ثنا گوین برپا افتاد و آنکس سمری بود \* و عیسی جواب داده  
 ۱۸ فرمود که آیا پاک نشدند ده تن پس کجایند آن نه تن دیگر \* آیا  
 یافت نشدند کسانی که بر کردند و حمد کنند خدا را جز آن غریب

- ۲۰ \* پس اورا گفت که خیر و رو که ایمانت تورا رانید \* و چون  
فریسیانش پرسیدند که کی در آید ملکوت خدا ایشان را جواب  
۲۱ داده فرمود که ملکوت خدا با نگاهبانی نیاید \* و خواهند گفت که  
اینک اینجا و همانا آنجاست زیرا که ملکوت خدا شماراست در  
۲۲ درون \* و فرمود شاگردان را که ایامی آید که آرزو کنید که بینید  
۲۳ روزی از روزهای فرزند انسان را و نشاید که بینید \* و شما خواهند  
گفت که اینک اینجا و اینک آنجاست بیرون نروید و نیفتید در  
۲۴ عفت او \* زیرا چون برق که از طرف آسمان نمودار شده تا طرف  
دیگر درخشان شود چنین خواهد بود فرزند انسان نیز در روز خود  
۲۵ \* لیکن بایش اول که بسیار عذاب کشیده و ازین طبقه خواری  
۲۶ یابد \* و چنانچه در ایام نوح شد همان قسم نیز در ایام فرزند انسان  
۲۷ خواهد بود \* میخورند می آشامیدند زن میبردند شوهر میکردند تا  
۲۸ آنروزیکه نوح بکشتی در آمد و طوفان آمده همه را فرو گرفت \* و چنانچه  
در ایام لوط خورند و آشامیدند و خریدند و فروختند نشانند و ساختند  
۲۹ \* در روزی که لوط از سدوم در آمده آتش و کوه کرد از آسمان  
۳۰ باریدن گرفته تمامی را در گرفت \* چنین خواهد بود در روزیکه فرزند  
۳۱ انسان آشکارا شود \* در آنروز کسی که بر بام باشد و اسبابش در خانه  
برای گرفتنش نرول نکنند و آنکس که در کشت است نیز رجعت  
۳۲ نماید \* یاد آرید زن لوط را \* و هر آنکس که خواهد نگاهدارد جان خود را  
۳۳ هلاکش کند و آنکس که هلاک کند آن را حیانتش دهد \* و من  
شمارا میگویم که در آن شب دو نفر که بر یک سریر باشند یکی  
۳۴ گرفته و دیگری گذاشته شود \* و خواهند بود دو زن که آس نمایند که

۳۶ یکی گرفته و دیگری گذاشته خواهد شد \* و دو نفر در کشت خواهند بود که یکی زانها دستگیر و دیگری رستگار خواهد شد  
 ۳۷ \* ایشان گفتندش کجاست یا خداوند او فرمود که هر جا که مرد را افتاد و کس با جمع کردند

### باب هجدهم

- ۱ و بر ایشان مثلی آورد باین مضمون که سزاوار است که همیشه
- ۲ دعا کنید و کلال نیابید \* و گفت که قاضی در شهری میبود نه از
- ۳ خدا ترس و نه از مردم شرم میکرد \* و بود بیوه در آن شهر که پیوسته
- ۴ بنزدش آمده میگفت که انتقام مرا از خصم من بگیر \* و مدتی
- نخواست لیک بعد بخود اندیشید که هر چند نه از خدا ترس و نه از
- ۵ خلق شرم دارم \* لیک چون این بیوه پر مصدع است بدادش
- رسم که از کثرت آمدنش مبادا و ماغم عاقبت پریشان شود
- ۷ \* خداوند فرمود که بشنویذ آنچه آن قاضی نا راست گفت \* آیا
- نیست خدا که برای بر کزیده کان که شب و روز او را خوانند
- ۸ انتقام کشد و هر چند تاخیر کند \* و من شمارا میگویم که هر روزی از
- برای آنها انتقام خواهد کشید و آیا چنین است که چون فرزند
- ۹ انسان آید ایمان را بر زمین خواهد یافت \* و بر کسانی که بر خود
- اعتماد میداشتند که نیکو کار اند و دیگران را بحقارت می نگرند این
- ۱۰ مثل را زد \* که بقصد نازک گذاردن دو نفر یکی فریسی و دیگری باج
- ۱۱ خواه بهیكل روان شدند \* و فریسی ایستاده اینگونه در ضمیرش دعا
- مینمود که خدایا تو را حمد میکنم که نیستم چون دیگران ظالم
- ۱۲ و نا راست و زنا کار و یا چون این باج گیر \* و در هفته دو روز روزه



- ۱۳ وارم و عشر از همه مال خود را ایثار میکنم \* و آن عشار دور ایستاده نمیخواست که چشمان را هم بسوی آسمان کند لیکن بر
- ۱۴ سینه خود زده می گفت خدایا بر من به بخش که گناه کارم \* و من شمارا میگویم که اینکس مصفی بخانه رفت نسبت بدیگری زیرا که پست شود هر آنکس که خود را بلند بیند و بلند شود هر که
- ۱۵ خود را پست بیند \* و طفل چندی را به پیشش آوردند که مس
- ۱۶ نماید چون تلامذش آنها را دیدند ملامت نمودند \* اما عیسی آنها را خوانده فرمود که گذارید اطفال را که بنزد آمد و مانع نشوید زانرو که
- ۱۷ ملکوت خدا زان اینچنین کسانست \* و به تحقیق که بشما میگویم که هر که نه پذیرد ملکوت خدا را چون طفل داخل آن نخواهد
- ۱۸ شد \* و رئیس پرسیدش که ای استاد نیکو چون سازم که حیات
- ۱۹ جاودان را دریابم \* عیسی گفتش چرا نیکو خوانی مرا نیکو نیست جز
- ۲۰ بکی که او خداست \* و تو خود شناسی احکام را زنا مکن و قتل مکن
- ۲۱ و زوری مکن و گواهی دروغ ده و پدر و مادر خود را محترم دار \* او
- ۲۲ گفت خود این همه را از جوانی نگاه داشته ام \* عیسی چون که این سخن را شنیده باو گفت که یک چیز تورا باقیست هر آنچه داری بفروش و بمسکینان ده که در آسمان خواهد بود برای
- ۲۳ تو کنجی و بیا و مرا متابعت نما \* و چون این سخن را شنیده بسیار
- ۲۴ غمگین گشت زیرا که اموال فراوان داشت \* چون عیسی اندوهناکش ملاحظه نمود فرمود چه بسیار مشکل است کسان را
- ۲۵ که صاحبان دولتند در آمدن در ملکوت خدا \* زیرا آسانتر است شتر را که در چشمه سوزن در آید از اینکه صاحب دولتی در

ملکوت خدا داخل شود \* و گفتندش کسانی که شنیدند پس چه  
 کس تواند که یابد نجات را \* فرمود که چیزائی که نرد خلق محال  
 ۲۸ است نرد خدا ممکن است \* پطرس گفت که اینک ما تمامی  
 ۲۹ چیزها را وا گذاشته تورا پیروانیم \* آنها را فرمود که من شمار می گویم  
 بدرستی که نیست کسی که خانه یا والدین یا برادران یا زن یا  
 ۳۰ فرزندان را بجهت ملکوت خدا واکندارد \* و چندین مرتبه زیاده تر  
 از آن را نیابد در این جهان و نیز در آن جهان حیات جاوید را  
 ۳۱ \* و آن دوازده تن را برداشته ایشان را فرمود که اینک بسوی  
 اورشلیم روانیم و آنچه در کتب پیغمبران مرقوم شده است بر  
 ۳۲ فرزند انسان کامل میگرد \* زیرا که بقبایل سپرده شود و تمسخر  
 ۳۳ و ظلم یابد و بر او آب دهن خواهند انداخت \* و او را چوب زره  
 ۳۴ خواهندش کشت و روز سیم بر خاسته خواهد شد \* و آنها این  
 سخنانرا مطلق درک نکرده و این کلام بر ایشان مخفی ماند و آنچه  
 ۳۵ میفرمود نیافتند \* و در زمانی که نزدیک بیرجا بود کوری بر سر راه  
 ۳۶ نشسته سوال مینمود \* دریافت که جمعی در گذارند پرسید که  
 ۳۸ چیست این \* گفتندش که عیسی ناصری در گذارست \* با  
 ۳۹ فغان گفت که ای عیسی ابن داود رحم کن بر من \* و آنکسان  
 که در پیش میرفتند او را منع کردند که خاموش باش لیک او  
 ۴۰ بیش از پیش فریاد کرد که ای پسر داود رحم کن بر من \* عیسی  
 ترقف فرموده فرمود که او را بنزدیکش آورند چون نزدیک شد  
 ۴۱ پرسیدش \* تورا چیست خواهش که برای تو کنم عرض کرد که  
 ۴۲ خداوندکارا خواهم که بینا شوم \* و عیسی فرمود که بینا شو که

۱۷۳ ایمانت تو را رستگار ساخت \* در حال بینا شده خدا را حمد کویان  
در عقبش در آمد و جمیع مردمش دیدند و خدا را ستایش کردند

### باب نوزدهم

۲ و چون داخل شد یربجارا عبورا \* بود مردی که بر کسی نامیده شده  
۳ بود و بود از تبرکان باج خوانان و صاحب دولت بود \* و خواهشمند  
بود که عیسی را دیده بیند که او چگونه است و از کثرت خلق  
۴ مقدورش نبوو زیرا که بود قصیر القامت \* پس پیش دوید و  
درخت افراغی بر آمد تا نظاره اش نماید زیرا که او اراده داشت  
۵ که از آنراه عبور نماید \* و چون عیسی بانمکان رسید بالا نکرست  
و او را دیده گفت ای زکی بشتاب و پائین آ که باید مرا که امروز در  
۶ خانه ات بسر آرم \* پس سرعت نزول نموده او را بخرمی  
۷ پذیرفت \* پس چون همگی نکرستند آن مقدمه را مهمم در  
آنها افتاده گفتند که با مردی گناه کار بر آمده خوش نشسته است  
۸ \* و زکی برپا ایستاده با خداوند عرض کرد که الحال خداوند نصف  
مال خود را بمساکین میدهم و چنانچه کسی را در مال مغبون کرده  
۹ باشم چهارم مقابله اش باز دهم \* عیسی باو فرمود که امروز  
رستگاری باین دو دمان رسید زانرو که این نیز از اولاد ابراهیم  
۱۰ است \* که فرزند انسان آمده است که کم شده کانرا طلب  
۱۱ نموده رستگار نماید \* و هنگامی که ایشان می شنیدند این سخنانرا  
بر آن افزوده مثلی آورد چونکه نزدیک باور شلیم بود و ایشانرا کمان  
۱۲ این بود که آلان ملکوت خدا آشکارا خواهد شد \* پس فرمود که  
شخص شریفی بقصد مرز دوری روان شد که تا مملکت برای

- ۱۳ خود تحصیل نموده عود نماید \* پس ده تن از بندهگان خود را خوانده  
 ۱۴ و ده قنطار بانه‌ها داد و گفت که تا باز گشتنم معامله کنید \* و اما  
 مردمان شهرش عداوت داشتند و پس از وی پیغام فرستاده گفتند  
 ۱۵ که ما اینکس را نخواهیم که بر ما امیر باشد \* و چون آن مملکت را  
 یافته رجعت نمود و با حضار غلامان خویش که زر را بانه‌ها سپرده بود  
 ۱۶ فرمان داد که در یابد هر یک چه نفع نموده است \* پس اول  
 آمده گفت ای آقا یک قنطار تو ده قنطار نفع نموده است  
 ۱۷ \* پس او را گفت مرحبا ای غلام نیکو از آنجا که تو امین بودی  
 ۱۸ این قلیل را پس تو را برده شهر امارتست \* و دیگری آمده گفت  
 ۱۹ ای آقا یک قنطار تو پیدا نموده است پنج قنطار را \* باو نیز  
 ۲۰ گفت که تو را نیز بر پنج شهر امارتست \* دیگری آمده گفت ای  
 آقا یک قنطار تو اینک موجود است آنرا در ملفوفی نگاه داشته  
 ۲۱ ام \* زیرا که تو مردی بغایت تند مزاج و من از تو مخوف بودم  
 ۲۲ بعلت آنکه خود نگذاشته بر میداری و زرع نکرده میدوی \* باوی  
 گفت که تو را بحرف خودت الزام دهم ای غلام نا شایسته تو  
 چون دانستی که مردی تند مزاج نگذاشته بر میدارم و نکشته میدروم  
 ۲۳ \* پس چونست که زر مرا بر تخت صرافین نهاده‌ای که چون من  
 ۲۴ آیم آنرا با نفعش بگیرم \* و گفت حاضران را که قنطار را از او گرفته  
 ۲۵ تسلیم آن دیگری که ده قنطار زان اوست نمایند \* پس او را  
 ۲۶ گفتند ای آقا اینست صاحب ده قنطار \* و من شمارا میگویم که  
 هر کس که دارد داده خواهد شد و آنکس که ندارد از او گرفته خواهد  
 ۲۷ شد چیزی که دارد \* و آنانی که از عداوت نمیخواستند که من بر



ایشان امارت نایم در این جا حاضر نمائید و در برابر من بقتل رسانید  
 ۲۹ \* و چون این را گفت پیشتر بسوی اورشلیم روان شد \* و چون  
 بنزدیکی بیت فاکلی و بیت عنیه بنزدیکی کوه مستمی بریتون رسید  
 ۳۰ و متن از شاگردان خود را فرستاد \* و فرمود بقریه برابرور آئید و در  
 درآمدن در آن کره خری می یابید بسته که هیچ کس گاهی بر او  
 ۳۱ ننشسته است باز نموده آریدش \* و اگر کسی شمارا پرسد که چرا  
 این را باز میکنید او را باین قسم جواب دهید که خداوندگار بآن  
 ۳۲ محتاجست \* و ایشان که فرستاده شدند رفته آچنان یافتند  
 ۳۳ که او بآنها فرموده بود \* و هنگامی که کره را باز می کردند مالکانش  
 ۳۴ گفتند که چرا این را باز می کنید \* گفتند که خداوندگار بآن  
 ۳۵ احتیاج دارد \* پس آنرا بنزد عیسی آوردند و رخت خود را بر او  
 ۳۶ افکنده عیسی را بر آن سوار نمودند \* و هنگام رفتن رخت خود را  
 ۳۷ در راهش گسترانیدند \* چون نزدیک بدامن کوه زیتون رسید  
 همگی جماعت شاگردانش شروع نموده بخوشوقتی خدا را حمد  
 ۳۸ میکردند باواز بلند بعلت آن معجزهائی که دیده بودند \* و میگفتند  
 که خجسته باد پادشاهی که باسم خداوند می آید و آرام در آسمان  
 ۳۹ و جلال در عالم بالا \* و چندی از فریسیان از آن جمع گفتندش  
 ۴۰ که ای استاد شاگردان خود را منع نما \* پس ایشانرا جواب داده  
 گفت که من شمارا میگویم که اگر اینان خاموش باشند سنگها  
 ۴۱ فریاد خواهند نمود \* و چون نزدیک رسید و شهر را دید بر آن  
 ۴۲ گریست \* و گفت تو بلی توکاش آنچه ای که نور موجب آرام  
 بودند در این روزگاری که مالکش هستی می شناختی و حال دیگر

۲۳ از چشمان تو نهانند \* زیرا که می آید ایامی بر تو که اعدای تو بر کرد  
 تو احاطه نموده بخندق و تورا محصور خواهند ساخت و از همه  
 ۲۴ اطراف تورا بتنگی خواهند در آورد \* و تورا و فرزندان را در تو  
 هزمین خواهند انداخت و سنگی بر سنگی در تو قرار نخواهد  
 ۲۵ داشت زیرا که نشناختی ایام توجه خورا \* و در هیکل در آمده به  
 بیرون نمودن کسانی که در آن می فروختند و می خریدند آغاز فرمود  
 ۲۶ \* و آنها گفت که مرقوم شده است که خانه من عبادت خانه  
 ۲۷ است شما آنرا مغاره و زردان نموده اید \* هر روز در هیکل تعلیم  
 میداد و بررکان کاهنان و نویسندگان و پیشوایان مردم خواستند  
 ۲۸ که هلاکش نمایند \* و ندانستند که چون کنند زیرا که همگی مردم  
 برشته استماع خورا باو در آویخته بودند

### باب بیستم

۱ و در یک روزی از آن روز با اتفاق افتاد که در زمانی که او درون  
 هیکل بود و مر خلق را تعلیم میداد و بشارت می فرمود رؤسای کهنه  
 ۲ و فریسیان با بررکان آمده \* گفتندش که بکوی مارا که تو بچه  
 اقتدار این را میکنی و آن کیست که داده است این اقتدار را  
 ۳ بتو \* او رد جواب فرمود که من نیز از شما یک سخن می پرسم  
 ۴ بمن بگوئید \* که آیا غسل بچی بود از آسمان یا از خلق \* آنها باخود  
 اندیشیدند که اگر کوئیم از آسمان بود خواهد گفت که چرا بوی  
 ۵ اعتقاد نداشتید \* و اگر کوئیم که از مردم بود همه خلق مارا سنکسار  
 ۶ کنند زیرا که بچی را بی شبهه پیغمبر دانند \* پس جواب گفتند  
 ۸ که ندانیمش که از کجا بود \* و عیسی ایشانرا گفت که من بشما

- ۹ نیز نگویم که این کار را با بچه اقتدر کنم \* و شروع نموده این مثل را برای مردم آورد که شخصی تا کستانی را غرس نموده بد هقاناش
- ۱۰ سپروه خود مدتی مسافرت اختیار نمود \* و در موسم ملازمی را بنزد دهقانان فرستاد تا ثمره آن تا کستانرا بوی تسلیم نماید لیک
- ۱۱ دهقاناش زره تهی دست باز گردانیدند \* و یکبار ملازمی و یکبار فرستاد ایشان او را نیز زره خفیفش نموده تهی دست پس
- ۱۲ فرستادند \* او نیز ثالثا ملازمی را فرستاده ایشان او را زخم زره بیرونش نمودند \* صاحب تا کستان گفت که چون کنم میفرستم
- ۱۳ فرزند محبوب خود را که شاید چون بیندش خجل شوند \* چون دهقانان ویرا دیده با خود تصور نموده گفتند که این وارثست بیاید
- ۱۵ که تا او را بکشیم و میراث از آن ما شود \* پس از تا کستاناش بیرون برده بکشتند حال مالک تا کستان با ایشان چه خواهد نمود
- ۱۴ \* او خود آید دهقانانرا هلاک نموده تا کستانرا بدیکران خواهد سپرد آنها شنیده گفتند این خود مبادا \* او در آنها نگریسته فرمود چیست آنچه نوشته شده است که سنگی که معمارانش رو نموده
- ۱۸ اندر زاویه واقع شده است \* هر کس که بران سنگ افتد
- ۱۹ خورده میشود و آنکس که بر او افتد نرم خواهد شد \* پس قصد نمودند کاهنان بزرگ و نویسندگان که در هما ن ساعت دستها بر او اندازند و از مردم ترمیدند زیرا که دانستند که قصدش از این مثل
- ۲۰ ایشان بود \* پس فرصت جست فرستادند جواسیس چند را که خود را صالح مینمودند تا که سخنی از وی بچنک آرند که او را با اقتدار
- ۲۱ و قدرت حاکم سپارند \* پس ایشان پرسیدندش که امی استاد

وانیم که تو آنچه کوتی و تعلیم دهی محض صوابست و نظر در  
 ۲۲ ظاهر نمیکنی بلکه راه خدا را برستی منمائی \* آیا جایز است که ما  
 ۲۳ قیصر را جزیه دهیم یا نه \* و چون مکر ایشانرا دانست گفت  
 ۲۴ ایشانرا چرا تجربه ام میکنید \* نشان دهید بمن دینار را که نقش  
 ۲۵ و سکه که را وارد پس جواب داده گفتندش که قیصر را \* آنها را  
 گفت که پس آنچه زان قیصر است بقیصر واکذارید و آنچه از  
 ۲۶ خداست بخدا \* و نتوانستند بسخنش در نزد مردم چنگ زنند پس  
 ۲۷ از جوابش حیران مانده ساکت شدند \* تنی چند از زاد و قبیان که  
 ۲۸ منکر قیامتند پیش آمده پرسیدندش \* و گفتند ای استاد موسی  
 برای ما نوشته است که اگر برادر کسی بمیرد که زنی داشته و در  
 هنگام مردن بی فرزند باشد باید برادرش زن او را گرفته نسلی  
 ۲۹ بجهت برادر خود جاری سازد \* و بوزن هفت برادر نخستین  
 ۳۰ زنی را گرفته بی فرزند وفات یافت \* و دویمی آنرا گرفته او  
 ۳۱ نیز لا ولد فوت شد \* سیمین او را گرفته و همچنین آن هفت  
 ۳۲ نفر نماد آنها را فرزندی و مردند \* و در آخر همه آنرا نیز وفات  
 ۳۳ یافت \* پس او در قیامت زن کدام یک از ایشان خواهد  
 ۳۴ بود زیرا که هر هفت او را گرفتند \* و عیسی ایشانرا در جواب فرمود  
 ۳۵ که انبای روزگار راست نکاح نمودن و نکاح کرده شدن \* و اما  
 کسانی که سزاوار است که بدست آرند آنچه آنها را و قیامت را از  
 ۳۶ مردهگان نه ترویج میکنند و نه ترویج کرده میشوند \* و نیز نمیتوانند  
 که باز بمیرند زیرا که ایشان ملک را مانند ایشانند فرزندان خدا را  
 ۳۷ زیرا که فرزندان قیامت هستند \* و اینک مردهگان بر میخیزند موسی



نیز اشارت فرمود در حدیث بیوه چون گوید خداوند را خدای  
 ۳۸ ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب \* خدایست زان  
 مرده‌گان بل زان زنده گانست زیرا که نسبت باو همه زنده اند  
 ۳۹ \* پس بعضی از نویسندگان جواب دادند که ای استاد نیکو  
 ۴۰ گفتی \* و بعد از آن جرات نمودند که هیچ چیز را ازو سؤال نمایند  
 ۴۱ \* و آنها را فرمود که چه گونه گوئید که مسیح پسر داود است \* و حال  
 آنکه داود خود میگوید در کتاب مزامیر که خداوند بخداوند من گفت  
 ۴۲ بنشین بر دست راست من \* تا آنکه بنهم اعدای تو را در محل  
 ۴۳ اقدام تو \* داود او را خداوند گفت پس چگونه پسر اوست  
 ۴۴ \* هنگامی که مردم تمامی می شنیدند شاکر و انش را گفت \* که به  
 پرهیزید از نویسندگانیکه خواهند خرامیدن در رخت بلند و دوست  
 دارند سلام کردن را در بازارها و صدر مجالس را در مجامع و صدر  
 ۴۵ سرایرا در ضیافات \* و خورند خانهای بیوه زنان را و طول میدهند  
 نماز را برپا پس اینانند که می یابند عذاب عظیم را

### باب بیست و یکم

۱ و نظر کرده دید اغنیار که می انداختند نذورات خورا در مخزن  
 ۲ \* و دید نیز بیوه مفلسی را که دو فلس در آن می انداخت \* و گفت  
 بدرستی که راست گویم شمارا که این بیوه مفلس بیش از  
 ۳ همگی انداخت \* زیرا که انداختند تمامی آنها در نذورات خدا  
 چیز را که زاید میداشتند و انداخت این بیوه چیز را که ناقص بود  
 ۴ یعنی تمامی معاش خورا \* و جمعی را که می گفتند از تشریف  
 ۵ هیكل بسنگهای نیکو و عطا یا \* گفت می بینید این چیز را و آید

- زمانیکه گذاشته نشود در آن سنگی بر سنگی مگر آنکه خراب شود
- ۷ \* پس ایشان او را پرسیده گفتند که استاد این کی خواهد بود
- ۸ و چه نشانست در پیوستن اینها \* گفت آگاه باشید که فریفته
- نشوید زیرا که بسیاری باسم من خواهند آمد که گویند من هستم
- ۹ و وقت قریب است پس نیفتید بعقب ایشان \* و چون
- شنوید اخبار جنگها و هنگامها را مضطرب مشوید زیرا که بایست
- که اینها همه آلا بجا آید لیکن هنوز وقت بانجام نرسیده است
- ۱۰ \* و در آن هنگام ایشانرا گفت که هر خواهند خاست قومی بر
- ۱۱ قومی و مملکتی بر مملکتی \* و در اماکن خواهد بود زلزلههای عظیم
- و کرانیها و وبا و خواهد بود توهمات و نشانهای عظیم از آسمان
- ۱۲ \* و قبل ازین همه می اندازند دستهای خود را در شما و معاقب
- نموده بسبب اسم من در مجامع و زندانها خواهند بود و نژد سلاطین
- ۱۳ و حکام خواهند کشید \* این همه شهادتی خواهد بود از برای شما
- ۱۴ \* پس در دلهای خود عزم کنید که پیشتر اندیشه از برای معذرت
- ۱۵ جواب آنها نکنید \* زیرا که میدهم شمارا زبانی و عقلی که قادر
- نباشند تمامی مخاصمین شما که با مخالفت یا مقاومت نمایند
- ۱۶ \* و بد رستیکه تسلیم کنند شمارا والدین و برادران و خویشان
- ۱۷ و دوستان و بکشند بعضی از شمارا \* و جهت اسم من همگی
- ۱۸ مردم با شما کینه خواهند ورزید \* و موی از سر شما کم خواهد شد
- ۲۰ \* و شما خود نفوس خود را بصبر نگاه دارید \* و چون یابید اورشلیم را
- که محصور شده است بخپام سپاه آنگاه در یابید که نزدیک
- ۲۱ است ویرانی آن \* در آن هنگام کسانی که در یهودیه هستند

بگریزند بسوی کوهستان و کسانیکه داخل آن هستند ببلوکات  
 ۲۲ روند و کسانیکه هستند در بلوکات باندرون آن در نیایند \* زیرا  
 که آنروز است روزهای انتقام و تکمیل هر آنچه نوشته شده است  
 ۲۳ \* و وای بر آبستنهای و شیر دهندهگان در آن ایام زیرا که گرفتاری  
 ۲۴ عظیم بر زمین خواهد بود و این طایفه را سخت \* و بدم شمشیر  
 خواهند افتاد و در همگی قبایل اسیر خواهند شد و پامال طوایف  
 ۲۵ خواهد بود و اورشلیم تا زمانیکه زمان طوایف تمام شود \* و خواهد  
 بود علامات در آفتاب و ماه و ستارهها و بر زمین گرفتاری طوایف  
 ۲۶ بتحیر و صدای دریا و امواج \* و خلق از وهم و انتظار آن قضا یا که  
 بر ربع مسکون می آید بیجان خواهند شد زیرا که خواهد شد  
 ۲۷ توانائیهای آسمان متزلزل \* و آنوقت خواهند دید فرزند انسانرا  
 ۲۸ که بر ابر نشسته با قوت و جلال عظیم می آید \* و چون شروع  
 باین چیزهای میشود راست نشسته سرهای خود را بالا نمائید زیرا  
 ۲۹ که خلاصی شما نزدیک شده است \* و آنها مثلی را آورد که  
 ۳۰ درخت انجیر و سایر درختها را ملاحظه نمائید \* که چون بمحرو بینید  
 که شکوفه را میریزند خود دریابید که الحال تابستان نزدیک شده  
 ۳۱ است همچون شما نیز چون بینید که آنها واقع میشوند دریابید  
 ۳۲ که ملکوت خدا نزدیک شده است \* و من بشما راست میگویم  
 ۳۳ که نخواهد گذشت این طبقه تا همگی اینها بوقوع انجامد \* و آسمان  
 و زمین خواهد گذشت ولیکن نخواهد گذشت سخنان من  
 ۳۴ \* و با خذر باشید که مبارک و الهامی شما بپرخوری و می پرستی و افکار  
 ۳۵ معیشت کران کرد و ناکاه دریابد آنروز شما را \* زیرا که چون دام

۳۶ هر تمامی نشیننده‌گان بر روی زمین خواهد آمد \* پس بیدار بیدار  
و عا کنید در تمامی اوقات تا آنکه شایسته باشید که توانید رستگار  
شد از تمامی اینها که بوقوع می‌انجامد و بایستید پیش روی فرزند  
۳۷ انسان \* و روزها در هیکل تعلیم می‌فرمود و شب با بیرون رفته  
۳۸ در کوه مستمی نتریتون توقف می‌نمود \* و تمامی خاق برای شنیدن  
کلامش در هیکل پیشش جمع میشدند

### باب بیست و دوم

۲ و چون نزدیک بود عید فطیر که مستمی است بفصح \* کاهنان  
بزرگ و نویسنده‌گان در جستجو می‌بووند که او را بچه طریق مقتول  
۳ نمایند زیرا که از خلق واهمه می‌نمودند \* و شیطان در یهو او را که ملقب  
۴ با سخریوطی یکی از دوازده نفر بود در آمده \* پس آمده بر رؤسای  
۵ کهنه و سپاه گفتگو می‌نمود که او را چگونه بایشان سپارو \* و خوشنود  
۶ بووند و با وی عهد بستند که او را زر خواهند داد \* و او راضی شده  
در انتظار فرصت می‌بود که او را پنهانی از خلق بایشان سپارو  
۸ \* چون روز فطیر که در آن فصح بایست نمودن آمد \* او  
بطرس و یوحنا را فرستاده گفت بروید و فصحرا از برای ما آماده  
۹ سازید که تناول نمائیم \* آنها ویرا گفتند کجا میخواهی که آماده  
۱۰ کنیم \* ایشانرا گفت چون بشهر در آئید کسی را بر خورید که سبوی  
۱۱ از آب میبرد او را پیروی نمائید بخانه که در آید \* و بگوئید صاحبخانه را  
که استاد می‌فرماید که کجاست مکانی که در آن با شاکردان  
۱۲ خود فصحرا خورده باشم \* و او حجره وسیع مفروشی را بشما خواهد  
۱۳ نمود در آنجا آماده سازید \* و ایشان رفته چنانکه بایشان فرموده



- ۱۴ بود یافتند و صبح را مهیا ساختند \* چون وقت رسید بنشست
- ۱۵ و دروازه حواری نیز با او \* ایشانرا فرمود که من بسیار خواهشمند
- ۱۶ بودم که قبل از وفات خود این فصحرا با شما خورده باشم \* که
- بشما میگویم که من بعد ازین نخواهم خورد تا اینکه در ملکوت خدا
- ۱۷ کامل کردو \* و کاسه را گرفته شکر بجا آورد و فرمود که بکیرید این را
- ۱۸ و در میان خود قسمت نمائید \* زیرا که من شمارا میگویم که نخواهم
- ۱۹ آشامید از میوه زرتا وقتی که بیاید ملکوت خدا \* و تانی را گرفته
- شکر نمود و شکسته بایشان داد و فرمود که این تن من است که در
- ۲۰ راه شما داده میشود این را بیاد من بجا آرید \* و کاسه را نیز بهمان
- طور بعد از خوردن شام گرفته فرمود که این کاسه پیمان نویست
- ۲۱ که بسته میشود بخون من که ریخته میشود در راه شما \* و الحال
- وست آنکس که مرا خیانت می نماید با من در میان سفره
- ۲۲ است \* و فرزند انسان بر حسب تقدیر میروو لیکن وای بر
- ۲۳ آنکس که او را تسلیم می نماید \* پس آنها از همدیکر تفحص می
- ۲۴ نمودند که آیا کدام یک باشد که این عمل را نماید \* و بود در میان
- ۲۵ ایشان نزاعی که آیا کدام یک از آنها بزرگتر میباشد \* او ایشانرا
- فرمود که سلاطین قبایل خداوندی بر ایشان می نمایند و خوانده
- میشوند ولی نعمت کسانی که در میان آنها صاحب اقتدار
- ۲۶ هستند \* لیکن مباحثید شما اینچنین بلکه بزرگتر از شما بودو
- ۲۷ باشد چون کوچتر و پیشوا چون ملازم \* کیست بزرگتر آیا آنکس
- که نشسته است یا آنکه خدمت می نماید آیا نیست آنکس که نشسته
- ۲۸ است لیکن من در میان شما چون خادم هستم \* و شما آنان

۲۹ هستید که صبر نموده اید در امتحان های من بامن \* و من برای  
 ۳۰ شما مهیا می نمایم ملکوتی را چنانچه پدرم برای من نموده است \* تا که  
 شما بر خوان من بخورید و بیاشامید در ملکوت من و بنشینید بر  
 ۳۱ تختها و حکم نمائید بر دوازده سبط اسرائیل \* پس خداوند فرمود که  
 ای شمعون شمعون اینک شیطان میخواهد که شمارا به یزید  
 ۳۲ چون کندم \* و اما من خواسته ام برای تو که ناقص نشو و ایمان تو  
 ۳۳ و چون تو تائب شده برادران خود را نیز استوار نما \* و او عرض  
 کرد که یا خداوند من مستعد می باشم که بپوشم با تو در زندان  
 ۳۴ و در مرگ \* پس گفت او را ای پطرس میگویم تورا امروز بانگ  
 نخواهد زد خروس مگر آنکه پیش از آن تو سه بار انکار کرده باشی  
 ۳۵ مرا که من او را نمی شناسم \* و ایشانرا فرمود که چون فرستادم  
 شمارا بی کیسه و خورجین و نعلین آیا در هیچ چیز کم رسی یافتید  
 ۳۶ گفتند که در هیچ چیز نیافتیم \* و ایشانرا فرمود که حال آنکس که  
 کیسه با اوست بر دارد و همچنین کسی که خورجین را دارد و کسی  
 ۳۷ که ندارد بفروشد جامه خود را و بخرد شمشیری \* و میگویم شمارا که  
 آنچه نوشته شده است باید که در من کامل گردد که شمرده میشود  
 با بدکاران بجهت آنکه نوشته شده است در باره من کمالی  
 ۳۸ دارد \* پس ایشان گفتند یا خداوند دو شمشیر در اینجا هست  
 ۳۹ گفت ایشانرا که بس است \* و بحسب عادت برآمده بصری  
 ۴۰ کوه زیتون روان شد و شاگردانش او را متابعت نمودند \* چون  
 رسید بانمکان شاگردان را فرمود دعا کنید تا آنکه در امتحان در  
 ۴۱ نیایید \* و او خود بمقدار سنگ پرتابی دور رفته برانو درآمده دعا

۲۲ کرد \* وگفت ای پدر اگر خواهی که این پیاله از من بگذرد بگذرد  
 ۲۳ لیکن نه. بخواهش من بلکه بخواهش تو \* وفرشته از آسمان  
 ۲۴ نمودار شد تا قوت دهد اورا \* و او در اضطراب افتاده بسعی  
 شدید دعا می نمود و عرقش چون قطره با از خون بود که بر زمین  
 ۲۵ می چکید \* و از دعا برخاسته بنزد شاگردان آمد یافت ایشانرا که از  
 ۲۶ حزن خواب رفته است \* و ایشانرا گفت چرا می خوابید برخیزید و دعا  
 ۲۷ نمائید تا آنکه داخل نشوید در تجربه \* و هنوز تکلم می فرمود که ناگاه  
 گروهی که آنکس که بیهوا مسمی بود یکی از آن دوازده نفر بود  
 ۲۸ ایشانرا پیشوا شده بنزد عیسی آمد تا اورا ببوسد \* عیسی ویرا فرمود  
 ۲۹ ای بیهوا آیا تو بیوسه خیانت میکنی فرزند انسانرا \* آنگاه  
 مصاحبانش چون دیدند که چه خواهد شد ویرا گفتند یا خداوند  
 ۵۰ آیا بشمشیر بزنیم \* یکی از آنها زد و کوش راست خادم کاهن  
 ۵۱ بر رک را برید \* عیسی فرمود که همین بس است و کوش اورا  
 ۵۲ مس نموده اورا درست نمود \* و عیسی بانگسانی که بنزد وی آمده  
 بودند از کاهنان بر رک و سرداران هیکل و مشایخ فرمود که آیا چون  
 ۵۳ برای دزد بر من آمدید یا شمشیر با و چوب دستها \* و من هر روزه در  
 هیکل با شما میبودم و شما دست بر من دراز نکردید لیکن این  
 ۵۴ ساعت شماست و قوت ظلمت \* پس ایشان اورا گرفته  
 و برده بخانه کاهن بر رک رسانیدندش و در او در پطرس بعقبش  
 ۵۵ روان شد \* و ایشان آتشی در وسط خانه افروخته با هم نشستند  
 ۵۶ و پطرس نیز با ایشان نشست \* کنیزکی اورا دیده که نزدیک  
 آتش نشسته است در وی تیز نگریسته گفت که این نیز با وی بود

۵۸ \* او انکار او نموده گفت که ای زن من اورا نمی شناسم \* بعد  
از لسمحه شخصی دیگر اورا دیده گفت که تو نیز از آنها هستی  
۵۹ پطرسش گفت ای مرد نیستم \* و چون تخمینا ساعتی گذشت  
دیگر بار شخصی مبالغه نموده که اینکس بی شبهه با او بوده است  
۶۰ زیرا که جلیلی است \* پطرس گفت ای مرد نمی یابم که تو چه  
میکوئی و هنوز در تکلم میبود که فی الفور خروس بانگ زد  
۶۱ \* و خداوند کشته پطرس نگریست و او سخن خداوند را که با او فرموده  
بود که پیش از آنکه خروس بانگ زند تو مرا سه بار انکار خواهی نمود  
۶۲ یاد آورد \* و پطرس بیرون آمده زار زار بگریست \* و آنانی که  
۶۳ عیسی را نگاه میداشتند اورا تازیانه زده تمسخر می نمودند \* و رویش را  
پوشانیده طپاچه بروی زرد و پرسیدندش و گفتند از راه نبوت  
۶۴ بگو که کیست که تو را طپاچه زد \* و دیگر سخنان زل بسیار باو  
۶۵ گفتند \* و چون روز ظاهر شد جمع شدند رؤسای قوم و بزرگان کهنه  
۶۶ و نویسنده کان و اورا در مجمع خود داخل نمودند \* پس گفتند بوی  
که چنانچه تو مسیح هستی ما را اطلاع ده گفت اگر بگویم باور  
۶۸ نخواهید نمود \* و اگر سؤال نمایم جواب نخواهید داد و مرخص  
۶۹ نخواهید نمود \* و من بعد ازین زمان فرزند انسان بر دست  
۷۰ راست قوت خدا نشسته خواهد بود \* همه گفتند پس تو پسر  
۷۱ خدا هستی گفت ایشانرا که شما میکوشید که من آتم \* پس ایشان  
گفتند که ما را چه احتیاج بشهادت است زیرا که خود از دهن  
اوشنیدیم



باب بیست و نهم

- ۲ پس تمامی انجملات بر خاسته اورا بنزد پیلطس آوردند \* و آغاز شکایت بر او نموده گفتند که یافتیم این شخص را که مخرف میکند قوم را و از دادن جزیه بقیصر منع میکنند و میگویند که او خود
- ۳ مسیح پادشاهست \* پیلطس از وی سؤال نموده گفت که تو پادشاه یهود هستی او جواب داد که تو میگوئی \* و پیلطس کاهنای
- ۴ بررک و جمع را گفت که من درین شخص عیبی نمی بینم
- ۵ \* و ایشان تاکید نموده گفتند که او از جلیل آغاز نموده در تمام یهودیه تا اینجا تعلیم میداد و در میان مردم فتنه می انگیزد \* و پیلطس چون جلیل را شنیده پرسید که آیا این شخص از جلیل است
- ۶ \* و چون یافت که از اعمال هیروودیس است اورا بنزد هیروودیس
- ۸ فرستاد زیرا که او نیز در آن ایام در اورشلیم بود \* و چون هیروودیس عیسی را دیده بسیار خوشوقت شد زیرا که مدتها بود که خوانان دیدارش بود بعلت آنکه بسیار ازو بقلها شنیده بود
- ۹ و امیدوار بود که ازو معجزه دیده باشد \* پس از او سؤالات چند نمود و او مطلقا جوابش نداد \* پس ایستادند رؤسای کهنه
- ۱۱ و نویسندگان و بشدت تمام بروی شکایت می نمودند \* هیروودیس بالشکر خود اورا استحقار و استهزا می نمود و کسوت فاخری بوی
- ۱۲ پوشانیده اورا بنزد پیلطس باز فرستاد \* و آنروز پیلطس و هیروودیس باهم آشتی نمودند زیرا که باهم از پیش در مقام
- ۱۳ عداوت بودند \* و پیلطس بررکان کاهنان و رؤسای قوم را خوانده \* ایشانرا گفت که اینکس را که شما بنزد من آوردید که

مردم را منحرف میسازد الحال پیش روی شما من اورا امتحان  
 نمودم هیچ عیبی از آنها که شما ویرا بان منسوب مینمائید در او  
 ۱۵ نمی یابم \* بلکه نه هیروویس نیز زیرا که من خود شمارا بنزدش  
 فرستادم و الحال هیچ چیز که لایق قتل باشد در وی بعمل  
 ۱۷ نیاورده است \* پس اورا تنبیه نموده را خواهم نمود \* چون بر  
 ۱۸ او در آن عید واجب بود که کسی را بجهت آنها آزاد نماید \* همه  
 بیکبار فریاد کرده گفتند که این را ببر و برتاس را بجهت ما آزاد  
 ۱۹ ساز \* و آن کسی بود که بسبب شورش وقتلی که در شهر واقع  
 ۲۰ شده بود در محبس گرفتار شده بود \* پس پیلاطس ویکر بار  
 ایشان را مخاطب ساخت و خواهش داشت که عیسی را آزاد  
 ۲۱ کند \* و آنها فریاد کرده گفتند که اورا صلیب کن صلیب کن  
 ۲۲ \* باز سیم مرتبه ایشانرا گفت که اینکس چه بدی کرده است  
 علت قتل را از وی نیافته ام اورا تنبیه نموده را خواهم نمود  
 ۲۳ \* و ایشان باواز بلند مبالغه بسیار نمودند و خواهش کردند که او  
 صلیب شود و آواز ایشان و کاهنان برک اورا مغلوب نمود  
 ۲۵ \* پس پیلاطس حکم نمود که مطلوب ایشانرا بعمل آرند \* و برای  
 ایشان شخصی را که بعزت هنگامه قتل در زندان بود و اورا  
 ۲۶ خواستند را نمود و عیسی را بخواهش ایشان سپرد \* و چون اورا  
 می بردند شخصی شمعون نام قیروانی که از خارج شهر می آمد  
 گرفتار کرده صلیب را بردوشش گذاشتند که از پس عیسی برود  
 ۲۷ \* و گروهی بسیار از مردم و از زنانی که بجهت او سینه زنان  
 ۲۸ و گریه کنان بودند در عقب او روان شدند \* و عیسی بسوی ایشان

برکشته گفت ای دختران اورشلیم بر من مکرشید بلکه بر خو  
 ۲۹ و فرزندان خو بکرشید \* زیرا که می آید ایامی که در آن خواهند  
 گفت که خوشا حال عقیما و رحمهای که نراوند و پستانهایی که  
 ۳۰ شیر ندادند \* و آنگاه شروع تکلم بکوه ها خواهند کرد که بر ما بیفتید  
 ۳۱ و بتلها که ما را پنهان نمائید \* زیرا که چون کرده میشود این اعمال  
 ۳۲ با چوب تر با چوب خشک چه خواهد شد \* و دو نفر دیگر که بدکار  
 ۳۳ بودند آورند که با او کشته شوند \* و چون بجائی که آنرا کاسه سر  
 میگویند رسیدند او را در آنجا صلیب نمودند و بدکارانرا نیز یک از  
 ۳۴ راست و یک از چپ \* و عیسی گفت که ای پدر اینهارا بپامرز  
 زیرا که نمیدانند که چه کار می کنند و آنها رختهای او را قسمت  
 ۳۵ کرده قرعه روند \* و مردم نگران ایستاده بودند و بررگان بتمسخر بآنها  
 گفتند که دیگرانرا نجات داد خور را نجات دهد اگر اینست مسیح  
 ۳۶ بر کزیده خدا \* و سپاهیان نیز او را استهزا می نمودند که پیش او  
 ۳۷ آمده سر که گذاشتند و گفتند \* که اگر تو پادشاه یهود هستی خور را  
 ۳۸ نجات ده \* و نامه بر او نوشته بود بخط یونانی و رومی و عبری که این  
 ۳۹ پادشاه یهود است \* و یکی از آن بدکاران که بصلیب آویخته  
 شده بود او را منکرانه گفت که اگر تویی مسیح خور را و ما را نجات  
 ۴۰ بده \* و دیگری او را نهیب داده در جواب گفت آیا تو از خدا نمی  
 ۴۱ ترسی زیرا که تو در همان عذاب گرفتاری \* و ما بحق زیرا که  
 مکافات اعمال خور را می یابیم و اینکس هیچ عمل نا شایسته  
 ۴۲ نکرده است \* و عیسی گفت یا خداوند مرا یار چون بملکوت  
 ۴۳ خور رسی \* عیسی ویرا گفت که من راست میگویم که تو امروز

۲۴ در فرودوس با من خواهی بود \* و قریب بساعت ششم بود که همه  
 ۲۵ مرزوبوم را ظلمتی فرو گرفت و تا بساعت نهم باقی بود \* و آفتاب  
 ۲۶ تاریک شد و پردهٔ هیکل از میان شکافت \* و عیسی با آواز بلند  
 فریاد نموده گفت ای پدر من روح خود را بدستهای تو میسپارم  
 ۲۷ و این را گفته وفات نمود \* و یوزباشی این واقع را دیده خدا را تمجید  
 ۲۸ نمود و گفت بدرستی که ابن شخص بر راستی بود \* و همگی  
 طوائف که بجهت این تاشا حاضر بودند چون این واقعات را  
 ۲۹ ملاحظه نمودند سینه زنان بر کشیدند \* و همگی آشنایان او و زنانی  
 که از جلیل او را پیروی نموده بودند از دور ایستاده این واقعات را  
 ۵۰ ملاحظه نمودند \* و ناگاه مردی مشیر یوسف نام که راست و نیکوکار  
 ۵۱ بود \* و در مشورت و عمل آنها شریک نبود و خود نیز منتظر  
 ۵۲ ملکوت خدا میبود از اربمشیه که شهر یست از شهرهای یهو \* نزد  
 ۵۳ پیلطس آمده بدن عیسی را خواش نمود \* و آنرا پائین آورده  
 در پارچهٔ کتان پیچیده در مقبره که از سنگ کنده شده بود جایی  
 ۵۴ که هیچکس گذارده نشده بود او را گذاشت \* و آنروز روز تیه  
 ۵۵ و ابتدای سبت بود \* و آن زنانی که از جلیل با وی آمده بودند  
 نزدیک آمده در قبر می نگریدند که چه سان تنش را گذارند  
 ۵۶ و بر کشته بویهای خوش و عطرها آماده ساخته و در روز سبت  
 بحسب حکم آرام گرفتند

### باب بیست و چهارم

۱ و در روز یک شنبه صبح بسیار زودی آن عطرائی را که مهیا  
 ساخته بودند بر داشته بسر قبر آمدند و با آنها تنی چند نیز بودند



- ۳ \* و یافتند که سنگ از سر قبر غلطیده شده است \* چون
- ۴ باندرون رفتند تن خداوند عیسی را نیافتند \* از این واقعه در
- حیرت میبویزند که نگاه دو مرد با لباسهای درخشان بر ایشان
- ۵ پدید آمدند \* چون که ایشان ترسان شده سر را بریزند و افتند
- ۶ ایشانرا گفتند چرا شما زنده را در مرده گان میجوئید \* در اینجا
- نیست بلکه برخاسته است یو آرید که چه گفت شما را هنگامی که
- ۷ در جلیل بود \* که فرزند انسان باید که بدستهای مردم گناه کار
- ۸ تسلیم کرده شود و صلیب شود و در روز سیم برخیزد \* و سخنش را
- ۹ یو آورزند \* و از سر قبر بزرگشته بالتمام این واقعات بان یازده
- ۱۰ نفر و باقی مردم را خبر دادند \* و مریم مجدلیه و یوحنا و مریم یعقوب
- و زنان دیگر که همراه بودند ایشان بودند که حواریان را باین واقعه
- ۱۱ خبر دادند \* و سخن ایشان نزد آنها مانند افسانه آمده ایشانرا
- ۱۲ تکذیب نمودند \* پطرس برخاسته بر سر قبر دوید و خم شده کفن را
- دید که گذاشته شده است بتهنائی از آن واقعه تعجب نمود و بر
- ۱۳ گشت \* و اینک در آنروز دو نفر از ایشان بسوی قریه که
- شصت تیر پرتاب از اورشلیم دور بود و اسمش امواس بود
- ۱۴ میرفتند \* و آنها در باره همه این واقعات با یکدیگر گفتگو مینمودند
- ۱۵ \* و در آنوقت که گفتگو و جستجو مینمودند عیسی خود پیش آمده با
- ۱۶ ایشان روان شد \* اما چشمهای ایشان پوشیده شده بود که اورا
- ۱۷ نشناختند \* ایشانرا گفت که این چه سخن است که در راه با
- ۱۸ یکدیگر میگوئید و مکنر هستید \* و یکی که کلیوپاس نام داشت
- ویرا در جواب گفت که آیا تو در اورشلیم خوش نشین هستی

- ۱۹ و پس آنچه درین اوان در میان آن واقع شدند انسته \* ایشانرا گفت که چه واقعه ویرا گفتند که نقل عیسای ناصریست که
- ۲۰ پیغمبر بود و پیش خدا و خلق در فعل و قول قادر بود \* و کاهنان هرک و روسای ما چکونه اورا بقضای مرک سپردند و صلیب
- ۲۱ نمودند \* و ما امیدوار بودیم که همین باشد که اسرائیل را فدی خواهد بود و علاوه براین واقعات که حال سه روز است که این واقع
- ۲۲ شده است \* زنی چند از طایفه ما مارا حیران نموده اند که صبحی
- ۲۳ بر سر قبر رفته اند \* و تنش را نیافتند آمده میگفتند که فرشته چندرا
- ۲۴ رویت نموده اند که گفته بودند که او زنده است \* و بعضی از رفقای ما بر سر قبر آمده آنچنان که زنان گفته بودند ملاحظه نمودند
- ۲۵ و اورا نیافتند \* و او ایشان را گفت که اسی نا فهمان و در باور کردن همه آنچه پیغمبران گفته اند سست اعتقادان \* آیا
- ۲۶ نبایست که مسیح این چیزها را کشیده بجلال خود برسد \* پس نقل خورا از همگی کتابها از موسی آغاز نموده و سایر پیغمبران
- ۲۸ برای ایشان تفسیر نمود \* چون ترویج شدند بقریه که بسوی
- ۲۹ آن میرفتند او اراده نمود که پیشتر رود \* ایشان چنک در او زده گفتند که با ما باش زیرا که ترویج بشامست و آفتاب در
- ۳۰ زوالست پس داخل شد که با ایشان باشد \* و چون با ایشان نشسته بود نانی را برداشته و شکر بجا آورده و شکسته با ایشان داد
- ۳۱ \* که چشمهای ایشان کشاده شد و اورا شناختند و او از ایشان
- ۳۲ نا پدید گشت \* و با یکدیگر میگفتند که آیا جان ما مشتعل نبود در هنگامی که در راه با ما تکلم مضموز و کتابها را بجهت ما تفسیر

۳۳ مینمود \* و در همان ساعت بر خاسته باورشلیم مراجعت نمودند و آن  
 ۳۴ یازده نفر و رفقای ایشانرا یافتند که باهم جمع شده اند \* و میگفتند  
 که خداوند فی الحقیقت بر خاسته است و بر شمعون نمودار شده  
 ۳۵ است \* پس بایشان نقل راه سفررا نمودند که چه سان در  
 ۳۶ وقت شکستن نان بایشان نمودار شد \* و ایشان درین گفتگو  
 بودند که عیسی خود در میان ایشان ایستاده گفت سلام بر شما  
 ۳۷ باد \* و ایشان حیران و مخوف شده می پنداشتند که روح را  
 ۳۸ رویت مینمایند \* و آنها را فرمود که چرا شما مضطرب میباشید  
 ۳۹ و چرا در دلهای خود شبهه را راه میدهید \* دستها و پاهای مرا  
 ملاحظه نمائید که من خود هستم و مرا لمس نمائید و به بینید زیرا که  
 روح جسم و استخوان ندارد و آچنانکه ملاحظه میکنید که در من  
 ۴۰ است \* و این را گفته دستها و پاهای ایشان نمود \* و چون  
 هنوز از خوشوقتی در شبهه و حیران بودند ایشانرا فرمود که آیا چیز  
 ۴۱ خوراکی در اینجا دارید \* ایشان قدری از ماهی بریان و از شان  
 ۴۲ عسل بوی دادند \* و او گرفته پیش روی ایشان تناول نمود  
 ۴۳ \* و ایشان فرمود که این همان مقدساتست که شما را میگفتم در  
 وقتی که هنوز با شما بودم که هر آنچه در آئین موسی و رسایل  
 پیغمبران و مرا میر در باره من نوشته شده است باید کامل کرد و  
 ۴۴ \* آنگاه فهم آنها را وسعت داده که کتابها را توانند فهمید \* و ایشانرا  
 گفت که باین طور نوشته شده است و باین قسم لازم بود که مسیح  
 ۴۵ کشته شود و در روز سیم از میان اموات برخیزد \* و باید از  
 اورشلیم آغاز شده ندا بتوبه و آمرزش گناهان در همه قبایل با سمش

۴۹ کرده شود \* و شما شاهدان این چیزها هستید \* و اینک من  
 وعدۀ پدر خوورا بشما میفرستم و شما در شهر اورشلیم توقف نمائید  
 ۵۰ تا وقتی که از عالم بالا بوقت ملتبس شوید \* پس ایشانرا بیرون  
 آورد تا بیت عنیه و دستهای خوورا بلند کرده آنها را برکت میداد  
 ۵۱ \* و او هنوز ایشانرا برکت میداد که از ایشان جدا گشته بسوی  
 ۵۲ آسمان بلند شد \* و آنها اورا سجده نموده با فرح بسیار بسوی  
 ۵۳ اورشلیم برگشتند \* و پیوسته در هیكل مانده خدا را حمد و سپاس  
 میخواندند آمین





# فهرست این کتاب مقدس

رسالهٔ دوم پولس بتسلنیقیان . . . 503	انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ . . . . . 1
رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . . 507	انجیل مرقس . . . . . 83
رسالهٔ دوم پولس بتیموثیوس . . . 516	انجیل لوقا . . . . . 135
رسالهٔ پولس بتیتوس . . . . . 522	انجیل یوحنا . . . . . 221
رسالهٔ پولس بغلیمون . . . . . 526	کتاب اعمال حواریان . . . . . 288
رسالهٔ پولس بعبریان . . . . . 528	رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . 371
رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . . . 552	رسالهٔ پولس حواری باهل قرنٲس . . . 405
رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . . 561	رسالهٔ دوم پولس حواری باهل قونٲس . . . . . 437
رسالهٔ عام دوم پطرس حواری . . . . 570	رسالهٔ پولس حواری بکلٲیان . . . . 459
رسالهٔ عام اول یوحنا حواری . . . . 576	رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . . 470
رسالهٔ عام ثانی یوحنا حواری . . . . 585	رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . 481
رسالهٔ عام سیم یوحنا حواری . . . . 586	رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . . 489
رسالهٔ عام یهودای حواری . . . . . 587	رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . . 496
کتاب مکاشفات یوحنا الهی . . . . . 590	

هللا ةالصل

، برلا اهي

قفرعم نم نكمتن ىتح جارفال مت دقو اذه ديدجل دهعلا واليجنالا اذه ىلع ارکش  
لكن ديزمل

تنا .حاتملا ينورتكلال باتكلا اذه عنص نع ملوئسملا بعشلا قدعاسم عاجرلا  
مهندعاسم ىلع نورداق متن او مه نم فرعت

بتكلا رشكأ امل عجو ، عرسب لمعلا ىلع قرداق نوكت نأ ىلع امتدعاسم عاجرلا  
حاتملا هينورتكلالا

نوكت يكلم هجاتحت يذلا تقول او قوقو ، لاومال او دراومل عيمج ىلع امتدعاسم عاجرلا  
لمعلا ؤلصاوم ىلع قرداق  
لكن

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذلا قيرفلا نم اعزج لكشت يتلا قدعاسملا عاجرلا  
امل ديرت يتلا لامعألل يحورلا مهفلا مهنم لك اعطع او رارمتسالا قوق ائاطعلا يحري  
مل عقت نأ

ركذنتل او فوخل مدغل مهنم لك قدعاسم عاجرلا  
عيش لك نع لوؤسملا و ةالصلاببوجا يذلا هللا تنأ نإ

نوكراشي مهنأ قراز & لمعلا ، مهتيامح ملكن او ، مهعيجشت متلضفت نأ هللا وعدأ  
هيف

يتلا تابقلعلا نم امريغ وا هيحورلا تاوقلا نم مهتيامح متلضفت نأ هللا وعدأ  
لفسالا امل امنم عطب وا مريض نأ نكمي

هذه نم اولعج نيذلا سانلا اضيا ركفنل ديدج دهع اذه مدختسا امدنع يتدعاسم عاجرلا  
رارمتسالا ممل ينس تي تحو اهيلع ىلصي نا عيطتسا ىتح ، حاتملا هعبطلا  
سانلا نم ربكا ددع قدعاسم يفي

فوس كنأ ، (ديدجلا دهعلا) قدقملا قملك كل بح ينيطعت تنك نا هللا وعدأ  
ةينمزالا قرتفل او مهفل لضفا لئنا فرعت نا منطفل او قملكحل او هيحورلا ينيطعت  
اهيف شي عن يتلا

لك يننا هجاوت يتلا تابوعصل عم لامعتلا ةيفيك قفرعم يفي يتدعاسم عاجرلا  
نيرخال دعاسن نا ديرنو لضفا لئنا فرعت نا ديرت يندعاسي هللا دروللا .موي  
لماعلا لوحو ققطنملا يذلب يفي نيحي سمل

مكتمكح مهدعاست نيذلا وبختنملا ينورتكلالا باتكلا يطعي نا مكل هللا وعدأ

مكئب مهف نكلو ، ايحور عدخي ال (يتلئاعو) امترسا دارفأ دعاسي نا مكل هللا وعدأ

قرطال لکب مکلة عباتمو لوبق دیرتو

ءایشال ا هذهل عفا نا مکنم بلطاو ، تاقوال ا هذهیف هی جوتل او هعتمل ا انی طعی امک  
نیما ، عوسی مسایف



# - Prayer -

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento  
de modo que poder aprender más sobre usted.

Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible.

Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que  
más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos,  
los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan  
para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que  
les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar  
y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo  
que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de  
ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta  
a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja,  
y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro.

Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales  
que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando  
utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo  
que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más  
gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa,  
y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales  
para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos  
adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día.

Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar  
a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted  
diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en  
que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros  
individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado,  
pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera.  
y pido que usted haga estas cosas en el nombre de Jesús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?

Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible,  
y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio  
tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.

El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

# - Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato  
in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego  
la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutalo prego a potere funzionare velocemente e renda  
più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse,  
i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno  
per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che  
fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliera.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno  
di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare.  
Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi  
di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato  
di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed  
il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero  
nuoc o ritardarle giù. Aiutalo prego quando uso questo  
nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare  
io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare  
più gente Prego che mi daresti un amore della vostra parola  
santa e che mi daresti la saggezza ed il discernment spiritosi  
per conoscerli più meglio e per capire i tempi che  
siamo dentro e come risolvere

le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God,  
lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare  
altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo.

Prego che daresti la squadra e coloro che lavora al Web site  
e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza.

Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia  
(e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati,  
ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso.  
e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile  
e di altrettanta gente che prega spesso per noi e questo  
ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

# - Prayer -

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de Jesus, amen,

( por que nós traduzem isto em muitas línguas?  
 Porque nós necessitamos tanto prayer como possível, e tantos como povos que praying para nós e este ministry tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.  
 O prayer é uma das mais melhores maneiras que você pode nos ajudar mais ).

# - Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott,

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen.

Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortet und der verantwortlich für alles ist.

Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamen könnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen. Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jedem Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen. und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).



**Dear Lord,**

**Thank you that this New Testament has been released  
so that we are able to learn more about you.  
Please help accurate versions to have wide circulation.  
Please help us obtain copies of the accurate Greek  
New Testament.**

**Please help the people responsible for  
making this Ebook available.**

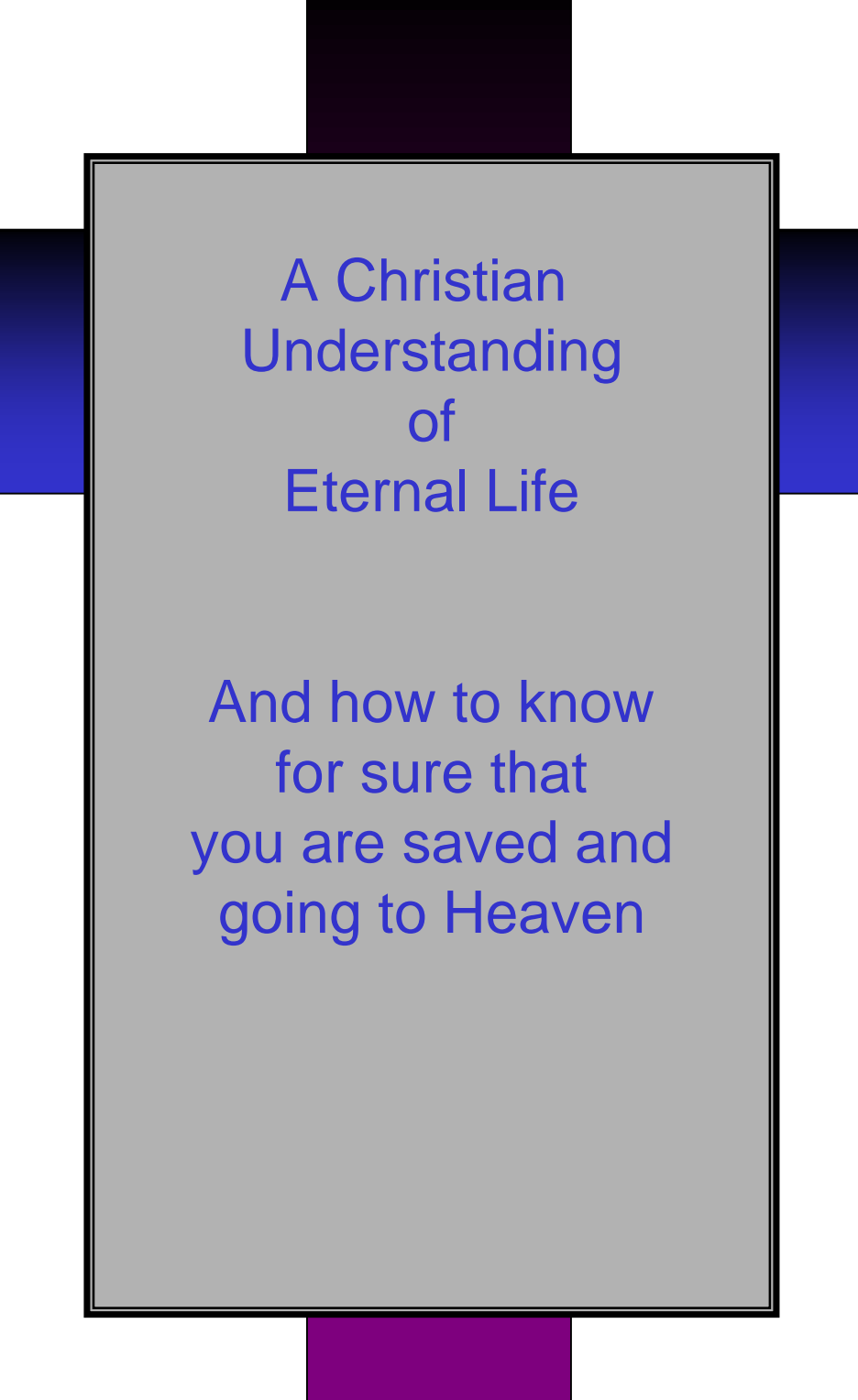
**Please help them to be able to work well,  
and make more Ebooks and information available  
Please help them to have all the resources,  
the funds, the friends, the strength and the time  
that they need and want so that they are able  
to keep working for You. Please help me to remember  
to pray for them so this will help other believers.**

**Please help their family members to not be deceived.  
Please help their families to truly turn to the real Jesus  
and to follow Him and understand His divine perspective.  
Please help those family members to understand  
the importance of spiritual priorities instead of the false  
god of money.**

**I pray that you would encourage those working on Ebooks,  
and that you protect them, and the work & ministry that they  
are engaged in. I pray that you would protect them  
from the Spiritual Forces or anything else that  
could harm them or slow them down. Please protect  
their right and ability to distribute the Ebooks.**

**I pray that you would give them your wisdom  
and great discernment. I ask you to do all these things  
in the name of Jesus, Amen,**





# A Christian Understanding of Eternal Life

And how to know  
for sure that  
you are saved and  
going to Heaven

# **Saved - How To become a Christian how to be saved**

**A Christian is someone  
who believes the  
following**

***Steps to Take in order to become a  
true Christian, to be Saved & Have a  
real relationship & genuine  
experience with the real God***

**Read, understand, accept and  
believe the following verses from  
the Bible:**

**1. All men are sinners and fall short  
of God's perfect standard**

Romans 3: 23 states that

For all have sinned, and come short of  
the glory of God;



**2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son Jesus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on Jesus Christ.**

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through Jesus Christ our Lord.

**3. You can be saved, and you are saved by Faith in Jesus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending Jesus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in Jesus Christ, that is what saves each of us.**

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

**4. God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent Jesus Christ to save us, even though we are sinners. So Jesus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.**

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

**5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in Jesus Christ, we obtain Eternal Life.**

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

**6. If you believe in Jesus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a**

**fact that you have been given  
Eternal Life.**

I John 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

**7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.**

I John 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

**If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:**

***" Lord Jesus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you***

***to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true Jesus Christ I ask all these things now, Amen".***

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, Jesus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

**It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is**



that you do not need to change yourself. Just Cry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent Jesus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

**Steps to take once you have asked  
Jesus to come into your life**

**Find the following passages in the Bible and begin to read them:**

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)**
- 2. Read Psalm 91**
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John**
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.**
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read**

them, so that you can understand more about God and how He works.  
6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your fears and concerns, and ask him for help and guidance.  
7. email or tell someone about the great decision you have made today  
!!!

---

Does the "*being saved*" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of **1) their state of sin and 2) God's** personal love and care for them, **and His desire and ability to save them....**is what enables anyone to become saved.

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

...and if so , then how does believing save a person?

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in **Salvation by Faith Alone in Jesus Christ** (ask us by email if this is not clear), then **That belief** saves them. Why ? because they are magical ? No, because of the sovereignty of God, because of what God does to them, when they ask him into their heart & life. When a person decides to place their faith in Jesus Christ and **ask Him** to forgive them of

their sins and invite Jesus Christ into their life & heart, **this** is what saves them – *because of* what God does for them at that moment in time.

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ – God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "*one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers*".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of Jesus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of



death that Jesus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than Jesus Christ – which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in Jesus Christ because of two extremes:

First the extreme that they are *not* sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that **all sins separates us from God**, even supposedly-small sins. We – as humans – tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

Second the extreme that they are *not good enough* for Jesus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ Jesus because those people are -literally – **unwilling**

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for Jesus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "**For all have sinned, and come short of the glory of God**" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote " **For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life** through Jesus Christ our Lord." (Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

**John 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.**  
**17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world through him might be saved.**

# **Prayers that count**

## **The prayers that God hears**

**We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.**

**The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through Jesus Christ" or "*in the name of Jesus Christ*".**

**God hears our prayers because we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.**

**And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of Jesus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:**

**(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.**

**(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.**

**(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought *him* to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.**



(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)

(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ.

(Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us through Christ Jesus.

(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.

(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached through Jesus the resurrection from the dead.

(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.

(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,

but alive unto God through Jesus Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, *let him do it* as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly through Jesus Christ our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

---

### Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postscript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

**VERSIONS based upon  
the Textus Receptus are  
the accurate versions**

**Please Note:**

**CHECK THE GREEK  
TEXT TO BE SURE**

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.  
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in  
the Mandarin Chinese Language (Older Traditional)  
that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of  
this edition is actually from 1880 which means  
it was produced prior to the Revised Version  
and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions  
in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort,  
ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform  
to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is  
the standard historic Koine Greek Text of the  
New Testament. (the work of John w Burgon. Carston Thiede  
or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online  
Under "Textus Receptus". There are 2  
or 3 usual versions of the T.R. :

1. The original 1550/51 Version of the  
Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne
2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833  
and
3. The Textus Receptus in Koine Greek by  
Scrivener, the edition of 1860.

**Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED**

Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength;  
they shall mount up with wings as eagles;  
they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

I Thessalonians 4: 13\_-5:6

13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.  
14 For if we believe that Jesus died and rose again, even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.  
15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.  
16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:  
17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.  
18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord so cometh as a thief in the night. 3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.  
4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.  
5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness. 6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

Matthew 25:1-13

25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.  
2 And five of them were wise, and five were foolish.  
3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:  
4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.  
5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.  
6 And at midnight there was a cry made, Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.  
7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.  
8 And the foolish said unto the wise, Give us of your oil; for our lamps are gone out.  
9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.  
10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.  
11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.  
12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.  
13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.



**NOTE: This New Testament in  
PERSIAN ( IRANIAN - FARSI) of HENRY  
MARTYN 1837** is [exists] in Nine [ 9 ] Parts.  
All are available online **Persian New Testament**  
Edition of **HENRY MARTYN 1837**

-

**Please Note:**

**Permission for YOU to Print, use, Post online, store,  
use, distribute personally or in file sharing systems,  
online or otherwise, is hereby granted**

**Permission to Post and Repost on your website  
is granted.**

**Note: Do not always depend on  
large “storage” websites. Do not depend on websites  
in the west. Sometimes large websites are affected  
and then no longer work. For your convenience  
and easy access, Please keep copies of this  
somewhere safe or on other servers**

Some bulletin boards sometimes have storage  
space available.

-----

**Téléchargement = Free = No Cost  
Télécharger - Gratuit**

**Please continue to pray for your protection, and  
for our protection in all ways and at all times.  
Thanks.**

**NOTE: This New Testament in**  
**PERSIAN ( IRANIAN - FARSI)**  
**of HENRY MARTYN 1837**

is [exists] in Nine [ 9 ]

Parts:

**Part 1**

**Part 2**

**Part 3**

**Part 4**

**Part 5**

**Part 6**

**Part 7**

**Part 8**

**Part 9**

All are available online  
**Persian New Testament**  
Edition of **HENRY MARTYN**  
**1837**

-----

Téléchargement  
Free = No Cost  
Télécharger - Gratuit

A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.  
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER  
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,  
IF HE WANTS. **GOD IS BIG ENOUGH.** ANY REAL GOD  
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE  
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.  
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE  
EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison

Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson

The Two Babylons by Hislop

Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce

The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander

The [ Idolatry of ] the Worship of Mary by J. Endell Tyler

Books by George STANLEY Faber

Revelation by Clarence Larkin

Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824)

Works written by Imad-ud-din, of Umritsur

TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity  
written by Maulvi Ahmad Ullah

WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866

ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867

Original Sources of the Coran / Koran by Muir

Books in French (Auteurs Français) = Alain Choquier , Ralph Shallis,

Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare,

Accurate Edition: (Texte Reçu) of the New Testament in Greek (Grec) =

Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151)

[Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New  
Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH  
the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب  
العهد الجديد لربنا ومخلصنا يسوع  
المسيح

قد تُرجم حديثاً من اللغة اليونانية

اسماء اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

انجيل متى	اصحاحاته	٢٨	١	٦
انجيل مرقس	"	١٦	٢	٤
انجيل لوقا	"	٢٤	٣	٢
انجيل يوحنا	"	٢١	١	١
اعمال الرسل	"	٢٨	١٣	١٣
رومية	"	١٦	٥	٥
١ كورنثوس	"	١٦	١	٥
٢ كورنثوس	"	١٣	٢	٢
غلاطية	"	٦	١	٥
افسس	"	٦	٢	١
فيلبي	"	٤	٢	١
كولوسي	"	٤	١	١
١ تسالونيكي	"	٥	١	٢٢
٢ تسالونيكي	"	٢	١	٢٢
وجميعها سبعة وعشرون مفعراً				